

# مطالعه انتقادی ترجمه های رامین با توجه خاص به رامین

## اقبال یغمایی

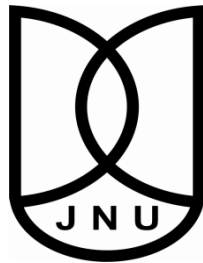
پایان نامه برای دریافت پیش دکتری زبان و ادبیات فارسی  
از دانشگاه جواهر لعل نهرو

نگارش

سشیل کمار

استاد راهنما

دکتر شیخ اشتیاق احمد



مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی  
دانشکده مطالعات زبان و ادب و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو-۱۱۰۰۶۷

۲۰۱۸



जवाहरलाल नेहरू विश्वविद्यालय  
Jawaharlal Nehru University

New Delhi-110067

Centre for Persian & Central Asian Studies

School of Language, Literature & Culture Studies

Dated: 10/07/2018.

DECLARATION

I declare that the dissertation entitled "A Critical Study of Persian Translations of the Ramayana with Special reference to Iqbal Yaghmaei's Ramayana." submitted by me for the award of the degree of MASTER OF PHILOSOPHY of Jawaharlal Nehru University is my own work. The dissertation has not been submitted for any other degree of this University or any other University/Institution.

**Sushil Kumar**

(Research Scholar)

CERTIFICATE

We recommend that this dissertation be placed before the examiners for evaluation.

**Dr. SK. Ishtiaque Ahmed**

Supervisor

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Associate Professor

Centre of Persian &

Central Asian Studies

SLL&CS

Jawaharlal Nehru University

New Delhi- 110067



**Prof S.A. HASAN**

Chairperson

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Chairperson

Centre of Persian &

Central Asian Studies

SLL&CS

Jawaharlal Nehru University

New Delhi- 110067



تقدیم به

مادر

و

پدر

و

برادران

و

خواهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

۴-۱

پیشگفتار

۳۵-۶

فصل اول:

مطالعه مختصری ترجمه های رامین به زبان فارسی در هند

۱۲-۸

• معرفی مختصری درباره رامین

۱۴-۱۲

• مختصری از شرح و احوال زندگانی والمیکی

۱۸-۱۷

• ترجمه های رامین به فارسی در هند

۳۱-۱۸

• ترجمه های رامین منظوم به زبان فارسی

۳۵-۳۱

• ترجمه های رامین منثور به زبان فارسی

۵۶-۳۷

فصل دوم:

احوال و آثار اقبال یغمایی

۴۷-۳۷

• زندگینامه اقبال یغمایی

۵۶-۴۸

• آثار اقبال یغمایی

۸۴-۵۸

فصل سوم:

مطالعه انتقادی رامین اقبال یغمایی

۸۸-۸۶

نتیجه گیری

۱۰۰-۹۰

منابع و مأخذ

پیشگفتار

## پیشگفتار

مرحوم اقبال یغمائی ادیب، معلم، مؤلف، مصحح، روزنامه نگار، مدیر، شاعر، نویسنده و مترجم به زمان خود بود. او در سال ۱۲۹۵ شمسی در شهر خوربیا بانک چشم به جهان گشود که یکی از شهرستانهای استان اصفهان است.

سال ۱۳۲۵ شمسی به طور رسمی مسولیت مدیریت مجله "آموزش و پرورش" را بر عهده گرفت و مدت چهار سال آن سمت کار کرد.

در سال ۱۳۳۲ ش اقبال یغمایی مجله "دانش آموز" که ویژه ادبیات کودکان و نوجوانان بود، آغاز کرد و بعد از چند سال به علت کمبود بودجه مجله "دانش آموز" تعطیل شد و اقبال یغمایی به اداره کل انتشارات و نگارش انتقال یافت و در آن جا کارهای علمی خود را ادامه داد. اقبال در سال ۱۳۴۷ از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد. او در همان زمان به دکتر محمد امین برای نوشتن زندگی نامه های بزرگان ایران برای جوانان پیشنهاد کرد دکتر محمد امین ریاحی آن را پذیرفت و اقبال یغمایی در این کار خودش را مشغول گذاشت و کارهای متعدد را انجام داد که چاپ و منتشر شدند.

موضوع این پایان نامه "مطالعه انتقادی ترجمه های رامین با توجه خاص به رامین

اقبال یغمایی" می باشد که زیر نظر آقای دکتر اشتیاق احمد کار شده است.

کتاب مختصر راماین کهنترین اثر حماسی هندوان اقبال یغمایی است، بدون شک یکی از شاهکارهای ترجمه نثر فارسی است که به طرز نو و لطیف و از لحن و شیوه امروزی ترجمه کرده است، جالب و قابل فهم به نظر می آید.

در این پایان نامه سعی کرده ام که کتاب "مختصر راماین" اقبال یغمایی از حیث ترجمه حماسی مقدس هندوان و تاثیر و نفوذ و ارزش و اهمیت از لحاظ مذهبی و تاریخی و ادبی و ویژگی های آن در دوره جاری چگونه است و موضوع محدود و محصور است ولی از ترجمه های راماین دیگر قابل فهم و دقیق و تاثیرگذار، دقیق و مختصر و فصیح تر و بلیغ تر و فوقیت و برتری از لحاظ فلسفه و آیین زندگی انسان می باشد، ذکر شده است.

این پایان نامه به سه فصل تقسیم شده است. فصل اول با عنوان مطالعه مختصری ترجمه های راماین به زبان فارسی در هند مطرح شده است. در این فصل تاریخ ترجمه کتاب مقدس هندوان و شرح و احوال زندگانی و المیگی و ترجمه های راماین فارسی منظوم و منثور ذکر شده است.

در فصل دوم احوال و آثار اقبال یغمایی را در آورده ام. در این فصل زندگی اقبال یغمایی از تولد تا مرگ و آثار وی پیش چشم خواننده فراهم سازد.

بخش پایانی که سومین فصل این پایان نامه است به تحلیل و بررسی و مطالعه انتقادی "مختصر راماین اقبال یغمایی" اختصاص دارد. در این فصل درمورد راماین اقبال یغمایی و وجود وظیفه های عمیق انسانی و یکی از مهمترین مثالهای ادبی که در دوره جدید و



قدیم را با خوبی اتصال می کند، ذکر شده است. چون که در کتاب داستانهای رامین مختصر بیان شده، با وجود این ارزش و اهمیت حماسه باستانی جهان و ویژگی های فرهنگ و تمدن هندی مطرح شده و با نگاهی کاملاً بی طرفانه، ویژگی های کتاب اقبال یغمایی را آشکار سازد. درین فصل دیدگاه مختلف در مورد رامین بررسی قرار گرفته است.

موجب افتخار است که در پژوهش حاضر از محضر فرزنانگان و استادان شایسته و عالی قدری بر خوردار گشته ام که جای دارد سپاس خالصانه خود را به حضورشان تقدیم دارم.

بر خود واجب می دانم که از راهنمایی ها و تلاش های بی دریغ و دلسوزانه ای استاد محترم جناب آقای دکتر شیخ اشتیاق احمد با صبر و سعه ی صدری مثال زدنی و پیگیری های فراوان، زحمات زیادی در تدوین این پایان نامه متحمل شده اند، تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین به خدمت استاد سید عین الحسن، رییس محترم گروه زبان فارسی و مطالعات آسیای مرکزی دانشگاه جواهر لعل نهرو و سایر استادان گرامی که در طول دوران تحصیل از محضرشان بهره مند شده ام کمال تشکر و قدردانی را دارم.

توفیق هر دو جهانی را برای این بزرگان از درگاه یزدان پاک آرزومندم.

همچنین از کلیه دوستانم آقای محمد عامر، آقای دکتر نقی عباس، آقای دکتر مختار احمد، آقای شاه عالم، آقای محمد انیس الرحمن، آقای محفوظ عالم، آقای عمر خلیق، آقای محمد ابرارالحق قاسمی، آقای شاهنواز عالم، آقای علی اصغر، آقای سعد

ظفر، آقای دانش کلیم، آقای سلیم الرحمن و برادران عزیزم سنجی کمار و امیت کمار و همه دوستانی که در نوشتن و خواندن این پایان نامه با من همراهی و همکاری کرده اند، از صمیم قلب سپاس ویژه ی خود را تقدیم نمایم که بدون حمایت و کمک آنان این کار هیچ صورت ممکن نبود.

## سشیل کمار

مرکز زبان و ادبیات فارسی و مطالعات آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان، ادبیات و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

## فصل اول

مطالعه مختصری ترجمه های راماین به زبان فارسی درهند

## مطالعه مختصری ترجمه های راماین به زبان فارسی در هند

در میان ملت های سایر دنیا اندک است که روابط مانند هند و ایران می باشند و تاریخ روابط هند و ایران از زمان قدیم تا امروز وجود دارد. اطلاعات تاریخ روابط هند و ایران قبل از مهاجرت آریای ها در دست ما نیست اما اطلاعات که در تاریخ نوشته شده، می یابیم مردم هند و ایران همنژاد و هم فرهنگ و تمدن و هم خون و همدل و خاطرنگهدار یکدیگر می باشند. این روابط و همبستگی و ریشه بسیار کهن و استوار دارد که در داستان ها نیز هر دو کشور در هر گوشه و کنار سر زمین هند و ایران هم دلی و هم ذوقی و هم زبان و فرهنگ و ادب و رسوم کهن را نشان می دهد.

هند از زمان قدیم سر زمین فیلسوفان و متفکران بزرگ و ایران گنجینه هنرهای زیبا و فنون علمی بوده و فرهنگ و تمدن و زبان و تاریخ هر دو سر زمین بسیار کهن اند که از آن زمان تا امروز جدا نمانده اند. مردم ایران کشور هند را از نظر گرامی می بینند و مردم هند نیز کشور ایران را وطن ثانی خود قرار داده اند.

"پیش از هجوم آریای ها، میان تمدن «موهنجودارو» و «هرپا» در شبه قاره هند و پاکستان و تمدن بومیهای ایرانی ارتباطات و روابط بوده است اگرچه برای اثبات آن مدارک و شواهد قطعی در دست نیست. در این مطالعه تاریخ هر چه نزدیکتر و قریب تر بیابیم می بینیم که روابط دو ملت بیشتر و زیاد تر می شود. علاوه بر این که مشابهت زیاد، و اختلاف

کم میان وداها و گیتها وجود دارد، و پادشاهان ایران مانند کوروش برزگ و داریوش سر زمین سند و پنجاب را گرفته بودند، مطالعه کتیبه ها این موضوع را روشن می سازد و همین طور در سبک معماری «ستونهای اشوک» آسان می توان در یافت تا چه حد تحت تاثیر و نفوذ ایرانی قرار گرفته است، زیرا که علامت شیر و آن نفاست و ریزه کاری در ساختمان های دیگر آن دوره دیده نمی شود. همین طور در ساختمان های تاکسیلا در پاکستان غربی بعلاوه نفوذ یونانی، تاثیر ایرانی نیز به چشم می خورد.<sup>۱</sup>

دوره پادشاه انوشیران عادل، برزویه که وزیر بود به هند فرستاد و بعد از چند مدت برزویه پنج تنترا را از هند به ایران برد و به زبان پهلوی ترجمه کرد. این نه فقط کتابی که از هند به ایران آمد بلکه فرهنگ و تمدن و اداب و رسوم هند هم به کشور ایران وارد شد. علاوه بر این چند داستان و تبادل شطرنج و تخته نرد را هم در این مبادلات دوستانه علمی و فرهنگی و اجتماعی را در تاریخ می توان دید که روابط بین کشور هند و ایران را قوی تر و غنی تر می سازد.<sup>۲</sup>

وقتی که دوره اسلام در ایران آغاز شد، روابط آن که قدیمی و دیرینه بوده و دوستی ها و نزدیکی های کشور هند و ایران که سست شده بود، در دوره اسلامی دوباره احیا شد. دوران آغاز اسلام در ایران بیشتر زرتشت ها و ایرانیها که اسلام را تسلیم کرده بودند، به ساحل غربی جنوبی هند پناه بردند که هنوز در شهرهای مشهور، چون

---

<sup>۱</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، رامین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۱۰، جلد اول  
<sup>۲</sup> اقبال یغمایی، مختصر رامین، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۹۷۶، ص. ۹-۱۰

پونا، سورت، أحمدآباد و بمبی زندگی می کنند و فرهنگ و تمدن ایرانی را نگهداری نیز می کنند.

دوره پادشاهان گورکانیان هند و غوری و غزنوی و خلجی و لودی روابط هند و ایران را زیاد نزدیک و آمیخته تر و زبان و ادبیات فارسی را گسترش داد.

"دوره اکبر شاه در تاریخ هند «عصر طلایی» نامیده می شود و اکبر به لقب اعظم یا بزرگ یاد می شود. استحکام در سلطنت و امنیت در مملکت و استعداد و صلاحیت و ذهانت خداداد در او موجب شد که اکبر توجه بیشتر به تشویق و سرپرستی علم و ادب و هنر و فن بکند، در نتیجه این سرپرستی و تشویق پادشاه، امیران و سرداران و استانداران همت به این گماشتند. اکبر دستور داد که آثار مهم هندوان به فارسی ترجمه شود و یک هیئت را به این کار مامور کرد. چنانچه فیضی و ملا عبدالقادر بدایونی و نقیب خان و ملا شیری و ابوالفضل با کمک دانشمندان هندو به کار انتخاب و ترجمه پرداختند، و مهاجرت و رامین به فارسی در آوردند"<sup>۳</sup>

## معرفی مختصری درباره رامین

قبل از این که ما در مورد ترجمه های رامین فارسی در هند مطالعه بکنیم، لازم می دانیم که درباره کتاب مقدس هندوان (رامین) مختصراً معرفی بکنیم.

---

<sup>۳</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، رامین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص ۱۳-۱۴ جلد اول.

"تا زمانی که کوه ها و رودخانه ها در سطح زمین باقی است

قصه راماین نیز در جهان سازی خواهد بود"<sup>۴</sup>

راماین کهن ترین و برجسته ترین حماسه منظوم است که نخستین به زبان سانسکریت نوشته شده و مهم ترین کتاب مقدس هندوان است که در ادبیات جهان دارای ارزش و اهمیت فوق العاده می باشد.

اگر ما درمورد این کتاب مقدس مطالعه قرار بدهیم، می یابیم این کتاب در ادبیات سانسکریت (آدی کاویه) یاد می کنند. آدی کاویه یعنی نخستین منظوم است که به زبان سانسکریت نوشته شده و هنوز در زبان و ادبیات سانسکریت از آن لقب برقرار است.<sup>۵</sup>

اهمیت و ارزش راماین در ادبیات جهان خیلی مهم قرار داده و هیچ نمونه مانند راماین در جهان سروده یک شاعر از جهت نفوذ و تاثیر و شهرت و مقبولیت نیست که می توان مقایسه کرد. راماین کتابی مقدس هندوان است که تمام تاریخ باستانی هند و داستان ها و افسانه ها را بیان می کند و در آن احساسات و اخلاقیات و وظیفه ها و وطن پرستی و غره بیان شده است که رام را نمونه کامل انسان و بهترین و اعلی ترین افراد بشر شناسانده شده است.

---

<sup>۴</sup> Ibid

<sup>۵</sup> Macdonell, A History of Sanskrit Literature, p.318

"باور می توان کرد که هیچ یک از آثار هندو از نظر موازین اخلاقی و اجتماعی همسنگ(راماین) نیست، جنبه مذهبی آن نیز قوی است. چنانکه در یکی از فصول آن آمده است که: هر که این داستان پاکیزه و متبرک را بخواند و بدان اعتقاد ورزد از همه گناهان آمرزیده شود، و با تمام فرزندان و فرزندزادگان و خویشان و بستگان به بهشت راه می یابد. راماین میان کتاب های مقدس هندوان در مرتبه سوم است، اما از نظر شهرت و نفوذ در زندگی عامه مردمان سر آمد همه است. داستان راماین مبتنی بر عمل است، به عبارت گویاتر هرچه در این کتاب از اخلاق و فلسفه و سیاست و الهیات سخن رفته مؤکد بر عمل است، و بیشتر کسانی که نامشان در آن آمده مردمانی وظیفه شناسی، سخت پیمان، وفادار، راد، پاک نظرند و دور نیست همین بر جستگیا آن را اثری جاودان و فنا پذیر کرده است."<sup>۶</sup>

اگر ما در مورد دوره تالیف راماین مطالعه قرار بگیریم، می یابیم که پیش از دوره اسلامی رواج تاریخ نویسی یا تذکره نویسی به صورت کامل وجود نداشت و مسلم است که راماین کهن ترین حماسه سایر دنیا است و به همین دلیل زمان و دوره تالیف و ترتیب راماین و وداها و مهابهارت و آثار مقدس هندوان دیگر مخصوصاً اشکار نیست.<sup>۷</sup> اما در میان محققان و دانشمندان اختلاف انگشت نما وجود دارد، آنان در مورد دوره تالیف راماین می گویند

---

<sup>۶</sup> اقبال یغمایی، مختصر راماین، انتشارات بنیادی فرهنگ ایران، تهران، ۱۹۷۶، ص ۱۲۰  
<sup>۷</sup> Keith, A History of Sanskrit Literature, p.39-34



که راماین از ۵۰۰ قبل از میلادی تا ۲۰۰ سال پیش از میلادی نوشته شده و چندان فقط راماین را مال والمیکی قرار می دهند و درباره این هیچ اختلاف وجود ندارد.

بعضی از دانشمندان و محققان مورد این عقیده دارند که مهابهارت قدیمتر از راماین می باشد و بعضی می گویند که راماین قدیمتر و جلوتر از مهابهارت می باشد اما وقتی که ما بر شواهد و مدارک و دلایل نگاه می کنیم، می بینیم که طبق مدارک معلوم می شود راماین قدیم و کهنه تر از مهابهارت نوشته شده است.

"یکی آن خلاصه و اختصار داستان راماین در مهابهارت نقل شده است، دوم آنکه هیچ اثر و نفوذی از بودا در راماین دیده نمی شود، در صورتی که والمیکی سراینده آن در نزدیکی مرکز بودایی زندگی می کرد، و در مهابهارت این اثر زیاد دیده می شود. سوم آنکه تمام این قرن ها راماین (آدی کاویه) و سراینده اش (آدی کوی) بشمار می رفت ولی هیچ یک از نویسندگان و دانشمندان سانسکریت بر این لقب وداعا ایرادی نگرفته است. چهارم راماین را از جهت زبان شناسی مورد مطالعه قرار داده، دانشمندان بر این نتیجه رسیده اند که در راماین اختلاط و هم آمیختگی لغات و کلمات دوره ودایی دیده می شود در صورتی که مهابهارت از همچنین واژه ها و ترکیبات نسبتاً عاری است. پنجم داستان رام و سیتا در یک کتاب بودایی (دشتره جاتک) با اختلافات کوچک دیده می شود. ششم بیان هندوستان در راماین آن چنان آمده است که معلوم می شود بیشتر قسمت غیر آباد بود و در مهابهارت همان قسمت هند را نسبتاً آباد تر معرفی کرده اند."<sup>۸</sup>

<sup>۸</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۱۷، جلد اول

طبق مدارک و شواهد و دلایل آن ما نمی توانیم بگوییم که دقیقاً راماین در چه قرن نوشته شده، اما بدون شک می توان گفت که راماین پیش از قرن پنجم میلادی تا قرن دو میلادی نوشته شده و دانشمندان و محققان هم قبول می کنند که راماین در قرن پنجم پیش از میلادی تالیف و ترتیب یافت.

### مختصری از شرح و احوال زندگانی والمیکی

والمیکی سراینده راماین بود. او یک ریشی برزگ و معاصر رام بوده است. والمیکی به طبق تقویم هندو در ترتا یوگ (Treta Yuga) می زیسته، از قدیمترین و نخستین شاعر دنیا قرار داده شده است.

طبق کتاب مقدس هندوان (پوران) بعد از زحمت کشیدن بیسار در زندگی خودش لقب ریشی حاصل کرده و با تشویق خداوند برهما حماسه بزرگی دنیا «راماین» را تالیف کرده و این کتاب که به زبان سانسکریت نوشته شده، نخستین حماسه که سراسر جهان مشهور گشت.

اگر ما در مورد والمیکی مطالعه قرار بدهیم، می یابیم که والمیکی بنا به روایت هندو نامش «رتناکر» بود. رتناکر در میان یک گروه که نامش «بهیل» بود، تعلق داشت و در جنگل

نزدیک «پریگ» با خانواده خود زندگی می کرد و همان جا جوان و بزرگ شد. او در همان قبیله با دختری ازدواج کرد و چند پسر و دختر هم داشت.

شغل و پیشه و کار این «بهبیل ها» دزدی و راهزنی بوده، والمیکی نیز کار دزدی و راهزنی را انجام می داد و خانواده خود را پرورش می کرد. روزی رتناکر یک گروه مرتاض ها را می خواست دزدی بکند اما میان گروه مرتاض ها یکی گفت: هر چه که ما داریم به تو بدهیم ولی شرطی که تو اول به خانه خود بروی و تمام خانواده خودش بالخصوص همسر و بچه خود پرسی که آیا آنها با تو این کار دزدی و گناه شریک اند یا نه؟ رتناکر مرتاض را به یک درخت بسته و خانه خودش آمد و این سوال را با هر افراد خانواده خود بیان کرد اما او جواب منفی یافت. خانواده اش گفتند که دزدی گناه بزرگ است، بعد از شنیدن این جواب رتناکر کار دزدی را فوراً ترک کرد و خودش را این طور عوض کرد که گوشه عزلت را اختیار کرد و کنار دریاچه «تمسا» به پرستش خداوند برهما خودش را مشغول گذاشت. او در این کار خودش را لایق پیدا کرد. به همین علت او به نام «والمیکی» معروف شد، سپس او آنجا خانقاهی درست کرد و برای تعلیم و تدریس کارهای مهمی را انجام داد.

"روزی به کنار دریاچه نشسته نظاره طبیعت می کرد و بازی پرندگان آبی می دید. اتفاقاً یک شکارچی آمده یکی از آنها را کشت و ماده لک لک فریاد راه انداخت. والمیکی این فاجعه را دیده ناراحت شد و شکارچی را نفرین کرد.

मां निषाद प्रतिष्ठां त्वमगमः शाश्वतीः समाः।

यत्क्रौंचमिथुनादेकम् अवधीः काममोहितम्॥

یعنی «ای شکارچی در زندگانی هیچ وقت سعادت‌مند و خوشبخت نباشی زیرا که میان آن دو پرنده عاشق جدایی انداختی» از آن فاجعه خیلی متأثر و ناراحت شده‌ام و المیکی به کلبه خویش برگشت و رنج و اندوه آن ماده «کرونچ» را به یاد آورد و از تکرار آن متوجه شد که از آن کلمات سوک امیر «اشلوکی» به وجود آمده است و اختراع یک بحر تازه که در سانسکریت قبلاً وجود نداشت، شده است. پس از آن متوجه به سرودن راماین شد. و المیکی پیش بینی کرده بود که این کتاب مورد علاقه و پسند خاطر مردم قرار خواهد گرفت. در این داستان مربوط به زندگی و المیکی که اساس آن بیش از روایت و افسانه نیست یک موضوع قابل توجه هست که رنج و اندوه سبب تخلیق راماین شد، و بر تمام داستان این عنصر حاوی و مستولی به نظر می‌رسد.<sup>۹</sup>

راماین مشتمل بر ۲۴ هزار بیت است که بعد از خواندن این کتاب معلوم می‌شود که جدا شدن از رام، سیتا در خانه و المیکی پناه یافت و پسر رام «لو و کش» نیز در خانقاه و المیکی متولد شدند. آنان زیر راهنمایی و المیکی تعلیم و تربیت یافته و هر دو را در زمان کودکی با هر علم و فن با خوبی آشنا کرد. «لو و کش» با هنر جنگ و فنون دیگر پدر خود را تعجب کرده، این نتیجه تعلیم و تدریس و المیکی بود که «لو و کش» بطور یک جنگجو بزرگ ظهور یافتند. و المیکی در این کتاب نه فقط درباره رام مطرح کرده بلکه تمام وضعیت های آن زمان و فرهنگ و تمدن و نظام حکومت و زندگی مردم عامه هم نوشته است.

<sup>۹</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۳۶-۳۷ جلد اول

## تاریخ مختصر ترجمه های کتب سانسکریت در هند و ایران

هند و ایران از زمان قدیم تا امروز فرهنگ و تمدن مشترک را تشویق می دهند. متون سانسکریت و فارسی از ۱۳ تا ۱۹ میلادی در تاریخ دنیا بزرگترین جنبشهای ترجمه را هم نشان می دهد. در این دوره متفکران و شاعران و فیلسوفان داستان های یکدیگر را اقتباس کرده و لذت فرهنگ و تمدن مشترک را با خوبی بکار می بردند.

تاریخ ترجمه مستقلاً می توان گفت که از زمان پادشاه اکبر که یکی از بزرگترین فرمانروای هند محسوب می شود، آغاز شد. اما اگر ما در مورد تاریخ ترجمه کتاب پنج تانترا مطالعه قرار بدهیم، می بینیم که کار ترجمه از دوره ساسانیان آغاز گردید و تمام داستان های پنج تانترا از زبان سانسکریت به زبان پهلوی توسط برزویه ترجمه شده است. کار ترجمه از آثار هندی در ادبیات فارسی تاریخ قدیمی دارد، علاوه بر این در دوره اسلام درباره تاریخ و علوم و فنون و مذاهب و ادیان و آداب و رسوم مردم هند را با تفصیل در کتاب تحقیق ما للهند که مؤلف ابوریحان محمد البیرونی است، بیان شده است.

در عهد بهرام شاه، ابوالمعالی مصطفوی کتاب کلیله و دمنه را که ابن مقفع از زبان سانسکریت به زبان عربی ترجمه کرده بود، به زبان فارسی سلیس ترجمه کرد و بعد از آن در دوره اکبر به زبان ساده تر آن زمان حسین واعظ کاشفی این را دوباره به زبان فارسی ترجمه کرد و اسمش عیار دانش گذاشت.

در عهد تغلق بالخصوص دوره فیروز تغلق، وقتی که او شهر نگرکوت را فتح کرد. او آنجا در معبدی که به نام جوالامکھی بوده، نیخه خطی که درباره علوم نحو بود و زبان سانسکریت نوشته، دست گرفت و زبان فارسی ترجمه شد. سپس در روره سکندر لودی کتابی از زبان سانسکریت به فارسی تحت عنوان طب سکندری ترجمه شد.

راج ترنگنی تقریباً در همان زمان که اثر کلهن تحت عنوان بحرالاثمار به فارسی ترجمه شد و بر اساس این کتاب تاریخ کشمیر نیز نوشته شده است. کتاب مهاپارت در عهد سلطان زین العابدین در کشمیر به زبان فارسی ترجمه شد.

اگر ما بر تاریخ ترجمه حکومت جنوب هند نگاه بکنیم، می بینیم که در دوره سلطان محمود شاه بهمنی کتابی که مربوط به علوم پزشکی بود، تحت عنوان طب محمود شاهی به فارسی ترجمه شد.

در سال ۱۵۵۶ میلادی اکبر به تخت سلطنت هند رسید و تقریباً پنجاه سال حکومت کرد و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی در هند را می توان دید. دوره پادشاه اکبر را دوره زرین قرار داده شده است. اکبر راجه ها و فرمانروان قدرتمند هند را توسعه داد و برای افهام و تفهیم میان حکمران بومی و گورکانیان هند او فرمان داد که متون برجسته و کتاب مقدس هندوان که به زبان سانسکریت اند به زبان فارسی بر گردانده شوند. چون که اکبر می خواست که پیروان ادیان مختلف احساس و افکار یکدیگر را درک نمایند. چنانچه ابوالفضل در مقدمه کتاب مهاپارت که تحت عنوان رزم نامه ترجمه شده، مثال مهمی و ارزشمندی ترجمه های متون سانسکریت قرار داده است.

چون که کتاب مهابهارت کتاب ضخیمی است، به همین سبب این کار را با کمک گروه ترجمان که مشتمل بر نقیب خان، عبدالقادر بدایونی و شیخ سلطان تهنیسری بود، به پایان رسانده شده است.

در سال ۹۹۲ ق. / ۱۵۸۴ م. ترجمه کتاب رامین اثر وامیکی را عبدالقادر بدایونی آغاز کرد و در مدت چهار سال کار ترجمه رامین را تکمیل کرد.<sup>۱۰</sup> فصل هجده رزم نامه که قبلاً به زبان فارسی ترجمه شده بود. فدای خان دو باب دیگر در آن کتاب اضافه نموده و او کتاب مقدس هندوان (بهگوت گیتا) را تحت همین عنوان (گیتا) به زبان فارسی ترجمه کرد. کتاب *لیلاوتی* که بر اساس علم ریاضی است، فدای خان نیز این را به زبان فارسی ترجمه کرد.

داستان *نل دمینتی* را فیضی تحت عنوان *نل دمن* به شعر ترجمه کرد و فدای خان اسم این کتاب را *نل و دمن* قرار داد.

عبدالقادر بدایونی در سال ۹۸۲ ق. طبق فرمان پادشاه اکبر یک رساله دیگری را از زبان سانسکریت ترجمه کرد و نامش *خرد/فزا* گذاشت.

در عهد جهانگیر کارهای ترجمه زیاد انجام نداده شده، چند ترجمه ها مانند رامین ملا مسیح پانی پتی که کار ترجمه در زمان اکبر آغاز شده اما در عهد جهانگیر به پایان رسید. این کتاب به نام *داستان رام و سیتا* هم مشهور گشت، بعد از آن همان زمان گردهرداس نیز خلاصه رامین را آماده کرد.<sup>۱۱</sup>

---

<sup>۱۰</sup> Muntakhabul Tawarikh, Translated by G.S.A, Vol-2, P-346-48

<sup>۱۱</sup> -<http://newdelhi.icro.ir/uploads/06-tarikh.pdf> از قند پارسی،

ب- History of Persian Literature, edited by Yunus Jaffer y Published by B.P Mishra, p-29

## ترجمه های راماین به فارسی در هند

ترجمه های راماین به زبان فارسی در زبان و ادبیات فارسی تاریخ شایسته دارد. همان طور که قبلاً گفته شد که بیشتر کتاب های مقدس هندوان و داستان های هندی به زبان فارسی ترجمه شده و تمام ترجمه های فارسی نه فقط در ادبیات فارسی و هندی مشهور اند بلکه در ادبیات دیگر در جهان نیز معروف هستند. کتاب مقدس هندوان مانند راماین، بهگوت گیتا، اوپانشدها و پرانها هم در میان مترجمان و سرایندگان هند را بیش از هر کتاب جلت نموده و مورد توجه قرار داده اند.

اگر ما در مورد ترجمه های راماین مطالعه قرار بدهیم، می یابیم که داستان رام و سیتا به صورت های مختلف به زبان فارسی وجود دارد. بیشتر نویسندگان و مترجمان هند راماین را به شکل مختصر و مفصل و کوچک و بزرگ و منظوم و منثور به فارسی ترجمه کرده و این ترجمه های راماین در ادبیات فارسی قابل توجه و دارای اهمیت و ارزش می باشد. راماین در منظوم و منثور ترجمه شده که در مورد آنان مختصراً معرفی می کنم.

## ترجمه های راماین منظوم به زبان فارسی

قبلاً درباره ترجمه راماین ذکر شده است که نخستین ترجمه راماین منظوم از عبدالقادر بدایونی به صورت شعر شده بود. اما آن ترجمه امروز در دست ما نیست. ما بلدیم که این



ترجمه در مدت چهار سال به پایان رسانده بود. عبدالقادر بدایونی در مورد ترجمه خودش می گوید که من در سال ۹۹۷ ق. ترجمه راماین را بعد از مدت چهار سال به خدمت پادشاه اکبر تقدیم داشتم و برای این پادشاه مرا لطف و عنایت قرار داد.<sup>۱۲</sup> به طبق ابوالفضل، اکبر برای نابود کردن نفرت متعصب بین هندوها و مسلمانان هند این ترجمه راماین را انجام داده، ولی ترجمه آن از بین رفت.

پس از دوره اکبر در عهد جهانگیر ترجمه راماین منظوم را نیز می توان دید. ملا سعدالله مسیح پانی پتی در شهر پانی پت به دنیا آمد و تقریباً دوازده سال برای آموختن زبان و ادبیات سانسکریت در بنارس اقامت گزیده و داستان رام و سیتا به زبان فارسی در آورد.

راماین مسیح یکی از بهترین و معروفترین منظوم های راماین فارسی به شمار می رود. راماین مسیح از حیث شعریت و لطف هم یاد آوردنی است. صاحب کلمات الشعرا از راماین مسیح زیاد استفاده کرده و درباره آن می گویند که مانند راماین مسیح هیچ کس نمی تواند سرود. در مثنوی مسیح با کلمات و لغات عربی و فارسی و واژه های هندی و سانسکریت نیز می توان دید.

راماین مسیح از این بیت آغاز می شود:

"خداوندا ز جام عشق کن مست

که در مستی فشانم بر جهان دست

لبالب بر لبم نه جام امید

---

<sup>۱۲</sup> Muntakhabul Tawarikh, Translated by G.S.A, Vol-2, P-377-78.

که باشد جرعه حسن طاس خورشید  
می کز بوی او موسی شد از هوش  
نه آن می کز دل ساغر زند جوش  
از آن می نشستند ای در جام انگیز  
که کردم همچو می از ساقی هم تو باشی  
بنوشم باده گر همدم تو باشی  
چه بهتر زانکه ساقی هم تو باشی  
ز دست دوست خواهم دوستگانی  
چه باشد خضر و آب زندگانی"<sup>۱۳</sup>

"بنظر مسیح داستان رام و سیتا دارای ارزش تاریخی می باشد، او می گوید:

از آن گفتم حدیث رام و سیتا  
نه این افسانه تاریخ است اینجا

بعد از ابیات حمد و مدح جهانگیر، دختران هندوستان را وصف نموده است:

به مرگش لب نجیباند سخن را  
نسازد تا نسوزد خویشتن را  
زن است و می کند کار جوان مرد  
کز و هنگامه پروانه شد سرد

---

<sup>۱۳</sup> دکتر سید عبدالحمید ضیایی و پروفیسور سید محمد یونس جعفری، رامایانا، خانه فرهنگ جمهوری اسلام ایران، ۲۰۰۹، ص. ۳۳.

به مردن عاشقان بی اختیار اند

ولی معشوق اینجا جان سپارند

همی بینم بسی هندی نژادان

که خود را بر صنم سازند قربان<sup>۱۴</sup>

نسخه های خطی رامین مسیح حدوداً در همه کتابخانه های مهم دینا وجود دارد و این کتاب مشتمل بر ۵۳۰۷ بیت است و در سال ۱۸۹۹ میلادی از چاپخانه منشی نولکشور، لکهنؤ به چاپ رسیده است. ملا مسیح پانی پتی از این ابیات کتاب مذکور را پایان رسانده است:

به عنوان: رفتن رام به عالم بالا و تمام شدن قصه رامین

چو شد نومید رام از وصل جانان

فتاد از پای همچون جسم بی جان

به کین بر خاست دیگر بار از جای

که برادر به پای خاک از پای

به غیرت کار فرما گشت کین را

که بر هم می زند این سرزمین را

---

<sup>۱۴</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، رامین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۴۰ جلد اول

هی گایرم زمین را در ته تیر

که تیرم را خدا دادست تاثیر

سپهر خیره سر را تاب آن نیست

زمین خاکست، آخر آسمان نیست<sup>۱۵</sup>

گردهر داس هم یکی از سرایندگان برجسته دوره جهانگیر بوده که راماین را به صورت منظوم ترجمه کرد و در آن ۵۹۰۰ بیت دارد. گردهر داس خودش درمورد تعداد اشعار می گوید:

شمردم پنج الف ابیات و نهصد

چو مروارید نو سفتم به هر فرد

سر آغاز مثنوی گردهر داس از این بیت می شود:

ثنا و شکر آن بخشنده جان را

پدید آورد گوهر دو جهان را

راماین گردهر داس، اختلاف بزرگی را نشان می دهد. در راماین وی ذکر شده که سیتا در زمین فرو نمی رود بلکه به عالم بالا می رود.

چو سیتا این خبر بشنید برخاست

دو دست افراخت از ایزد چنان خواست

بیامد محفه از فلک زر اندود

---

<sup>۱۵</sup> دکتر سید عبدالحمید ضیایی و پروفسور سید محمد یونس جعفری، رامایانا، خانه فرهنگ جمهوری اسلام ایران، ۲۰۰۹، ص ۲۷۳.

در آن محفله نشست این سیمتن زود

اشعار این مثنوی هرزه و بی کیف معلوم می شود، در پایان می گوید:

هزار و سی و شش بگذشت از سال

شد آخر نامه در فرخنده احوال

به سنوات از بکر ماجیت کن هم

هزار و ششصد و هشتاد و یک هم

"چندر من بیدل کایسته پسر سری رام مدهپوری راماین را به صورت شعر و نثر در

آورد. مثنوی را «نرگستان» اسم گذاشت و آن مثنوی به سال ۱۸۷۵ در مطبعه منشی

نولکشور به چاپ رسیده است، متأسفانه ناشر اشتباه نموده و آن را به میرزا عبدالقادر

بیدل انتساب داد، اگرچه در نسخه چاپی این ابیات که سراینده با صراحت گفته است

دیده می شوند:

از آن دو بیت سازد این مصنف

که چندر من بود نام مولف

چو اندر مدهپوری گوشه نشینم

گل از باغ بهار او بچینم

چندر من بیدل «نرگستان» را به سال ۱۱۰۴ به پایان رساند:

گهر سفت آن مرشد خاص و عام

به گفتا زهی نرگستان رام

چو جستم از خرد گفتا که بر خوان

طراوت بخش دلها باغ ایمان

نرگستان مشتمل بر شش دفتر می باشد و در پنج دفتر اول بحر هزج بکار برده شده ولی در دفتر ششم که در آن بیان جنگ و رزم آرای بود به بحر متقارب سروده شده است. اشعارش از لحاظ زبان و بیان زیاد محکم واعلی نیستند بلکه «نرگستان» را می توان فقط یک منظوم محسوب کرد. در بعضی جاها چندر من بیدل اصول عروض و قوافی نیز زیر پا گذاشته است.<sup>۱۶</sup>

سپس در سن شصت سالگی با کمک دوست خود «کاتل داس» این داستان را به نظم در آورد. این کتاب مشتمل بر ۴۹۰۳ بیت است و این را *نرگستان* نامیده که از این بیت شروع می شود.

*الهی بحر و صفت بیکران است*

*خرد را کشتی اند روی گران است*

این کتاب تاجگزاری رام در اجودهیها تمام می شود:

*هماندم رفته بر سیتا خبر کرد*

*که مهر و مه در این گلشن گذر کرد*

---

<sup>۱۶</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۴۱-۴۲ جلد اول

سخن اندر لبش چون غنچه بود

دلش بشکفته چون گل می نمودی

بیپاک سیتا قسم میخورم

که او پاکدامن بود کشورچاب

در سال ۱۹۰۷ میلادی خلاصه ترجمه نثری نوشته که از این بیت آغاز می شود:

زیب هر نسخه ای سپاس خداست

آنکه ز ادرك در قیاس خداست<sup>۱۷</sup>

در سال ۱۲۶۷ ه.ق امانت رای لالیپوری راماین را به زبان فارسی ترجمه کرد. او در کار ترجمه تقریباً ۲۵ سال خودش را مشغول گذاشته است. این مثنوی ۴۰۰۰۰ بیت دارد. امانت رای لالیپوری علاوه بر این ترجمه راماین منظوم «بهکت مالا» و مثنوی «نایک» هم سروده است و در میان مثنوی امانت ابیات غزلها جا گرفته است که این طور شروع می شود:

بنام شهنشاه کون و مکان

که حکمش بود در دو عالم روان

امانت در غزل خود جستجوی سیتا را این طور بیان می کند:

شدم بسیار شب بیهوده بر گرد جهان اینجا

نه شد پیدامه تابان ز بام آسمان اینجا

بسی سرگشته و آواره گردیدم در این صحرا

---

<sup>۱۷</sup> رجوع شود به مقاله دکتر سید امیر حسن عابدی، داستان رامایانا در ادبیات فارسی، شماره ۳، ص ۳۴۲-۳۴۳

نه شد از هیچ ره پیدا غبار کاروان اینجا

در سال ۱۸۶۶ میلادی منشی جگن کشور متخلص به حسن، در یک خانواده بتنا گر در فیروزآباد چشم به جهان گشود. اسم پدر او روپ کشور بود. او زبان اردو و فارسی نزدیک شیخ کلن فرا گرفته و در بیست و یک سالگی «نیرنگ حسن» معروف به «بهار اجودھیا» است، در سال ۱۸۸۶ میلادی به چاپ رسانید. وی در «بهار اجودھیا» خلاصه داستان راماین را هم بیان کرده است. او در سال ۱۸۹۹ میلادی در گذشت.

مثنوی «بهار اجودھیا» با کلمات ذیل شروع می شود: (فردی را سپاس که مصرعه وحدت در شان او موزون است و سخن آفرینی را ستایش.....). حسن در آخر درمورد خود نوشته که (نامم جگن کشور، حسنم تخلص، قومم کایستهمه، مسکنم فیروزآباد از مضافات اکبر آباد است هر چند که از انتشار طبع و انکسار خاطر شیرازة جمعیت واشده بود).

مثنوی بهار اجودھیا از این بیت آغاز می شود:

بنام شاهد پرهیز گاران

صفابخش دل شب زنده داران

تعداد ابیات مثنوی بهار اجودھیا ۹۹۹ می باشد. علاوه بر این حسن درباره فیروزآبادی نیز سروده است.

نباشد جانفزا چون مسکن من

تعالی الله فضای گلشن من



نه شهرست این بهشت شادمانیست

نه شهرست این بهار زندگانیست

مصر رام داس قابل در سال ۱۲۸۱ ه.ق فقط چهار دفتر رامین را به زبان فارسی منظوم ترجمه کرد. اسم دفترها عبارتند از:

۱. دفتر مبار

۲. دفتر فراق

۳. دفتر جنگ

۴. دفتر جلوس.

اثر وی در سال ۱۸۸۴ میلادی از «مادهوپریس» منتشر شد. مثنوی قابل به این بیت آغاز می‌گردد:

دفتر اول مبارک نام دارد در جهان

برجهان داران مبارک هم مبارک برجهان

«رام نامه» منظوم مصر رام داس قابل مشتمل بر ۳۰۷۹ بیت می‌باشد.<sup>۱۸</sup>

منشی بانکی لال زار که پسر بابو لتا پرشاد بود، تلخیص داستان رامین را در سال ۱۸۸۴ میلادی به صد و چهل و یک بیت خلاصه نموده که چاپ هم رسیده است. نامش «خلاصه رامین» گذاشت.

---

<sup>۱۸</sup> Ibid, p-366

مثنوی وی با بیت ذیل شروع می شود:

ای برتر از فهم و ذکا، وی خالق ارض و سما

تو بانی هر دو سر، گردم چسان مدحت سرا<sup>۱۹</sup>

در آخر قرن دوازدهم هجری هر بلمه سیته یک قصیده خلاصه داستان راماین را سروده و در سال ۱۳۲۰ هجری به چاپ رسیده است. تعداد ابیات این قصیده ۲۴۲ می باشد که از این بیت آغاز می شود:

سحر چون شاه انجم خیمه زد در دامن صحرا

شغق انداخت پا انداز او از مخمل حمرا

رای مهادیو بلی دریاآبادی، قصیده ای داستان رام و سیتا سروده و آن را «راماین منظوم» نام گذاشت. این منظومه در سال ۱۹۱۵ میلادی به چاپ رسیده است و این قصیده دارای ۱۵۹ بیت می باشد که چنین آغاز می شود:

به خانه خویش چون ننازم که مادح آن جناب آمد

که هر در عالم به جبه سایش و اصل صد ثواب آمد<sup>۲۰</sup>

لاله چند امل «چند» و منشی پرمیشری سهای «مسرور» راماین تلسی داس را به نظم فارسی در آورده اند و این را «وظیفه فیض» نام گذاشت. لاله چند امل پیش از تکمیل

<sup>۱۹</sup> به نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۴۴، جلد اول  
<sup>۲۰</sup> Ibid, p-45

کردن این کار در گذشت اما این مثنوی را مسرور به پایان رساند. این مثنوی مشتمل بر

۱۷۲۲ بیت می باشد. وظیفه فیض بدین شعر آغاز می شود:

ای مالک هر بلند و پستی

وی خالق نیستی و هستی

آنها در مورد رام و نام وی می گوید:

جان و دل من فدای رام است

گردم سر او چه نیکنام است

این نام وسیله حیات است

پندار که ذریعه نجات است

آنها در این مثنوی تلسی داس را هم ستایش کرده اند که از ابیات معلوم می شود:

ای شاه سخن سخنوری تو

وی پیر کهن پیمبری تو

ای بلبل باغ نکته دانی

وی طوطی گلشن معانی

مرگ چند امل از بیت معلوم می شود:

چند امل از این جهانی فانی

رفته به مقام جاودانی

منشی پرمیشری سهای از این بیت این مثنوی را به پایان می‌رساند:

یک بار بگوز لطف شاهی

مسرور غلام بار گاهی

مکهن لال ظفر در قرن نوزدهم «رام اشوامیده» را به نظم فارسی در آورده و این مثنوی در سال ۱۸۷۲ میلادی از لکهنؤ به چاپ رسیده و در آن ۷۲۲۰ بیت دارد. این مثنوی اینطور آغاز می‌شود:

به نام خداوند کون و مکان

که رامش بود نام و رامش جهان

در قرن نوزدهم منشی هرلال «رسوا» راماین فارسی سروده است. او سرودن راماین فارسی در سالگی چهل و سه شروع کرد و در سال ۱۸۸۲ میلادی به پایان رساند. راماین فارسی چنین آغاز می‌شود:

به گنیت از راون سازم نمشکار

نمایم سجده از شوهم نر نکار

موهن سنگهه نیز داستان راماین را به نظم فارسی در آورده که با بیت دیل آغاز می‌شود:

بنام رام کو آرام جانهاست

که خاص و عام را ورد زیانهاست<sup>۲۱</sup>

"جی کشن «عشرت» (متوفی ۱۱۲۵ ه.ق) که یکی از شاگردان خان آرزو بوده و بنابه

گفته خان آرزو مثنوی «سیتا رام» را سروده است.

در دیوان هند لندن یک نسخه خطی از یک راماین منظوم مختصر وجود دارد که سراینده

اش معلوم نیست. ترتیب دهنده فهرست بیت آغاز مثنوی را نقل نموده است:

جواهر شناسان کان سخن

شدند این چنین در نشان سخن

و همین طور قصیده ای دیگر به شماره ۹/۷۲۳ در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علی گره

موجود می باشد که دارای ۲۴۶ بیت می باشد و آغاز آن با بیت زیر می شود<sup>۲۲</sup>:

بهر وقتی که از دیوان زمین در زیر بار آمد

برای رفع بارش شد مجسم آن شد یکتا

## ترجمه های راماین منثور به زبان فارسی

ترجمه های راماین منثور مانند ترجمه های راماین منظوم هم وجود دارند که در همین

دوره به زبان فارسی ترجمه شده اند.

<sup>۲۱</sup> رجوع شود به مقاله دکتر سید امیر حسن عابدی، داستان رامایانا در ادبیات فارسی، شماره ۳-۳، ص ۳۴۰-۳۴۵

<sup>۲۲</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص ۴۶، جلد اول

"یک ترجمه کامل به فارسی از راماین و المیکی وجود دارد که همه فهرست نویس ها آن را به ملا عبدالقادر بدایونی که ذکرش قبلا رفت انتساب داده اند، و از روش نگارش و طرز تحریر نیز پیداست که یک نویسنده پر قدرت و ادیب این را نگاشته است. سر آغاز آن اینطور می شود:

بر صمائر ارباب بصائر مخفی نماند که این نسخه (مایکر و فیلم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) کامل و مختلف القلم می باشد، کاتب جزو اول و دوم «دیارام سود» است و قسمت های دیگر را کاتبان مختلف نوشته اند. در این ترجمه هیچ اثری از تلسی داس دیده نمی شود. در آغاز تعداد فصول و داستان ها نیز بیان شده است.

در مورد ترتیب و تالیف راماین در سانسکریت می نویسد: «مورخان هند چنین می گویند که برهمن پیش از آنکه رامچندر به عالم موجود شود، احوال او را از ابتدای تا انتهای به عین بوده، و ترتیب تفصیل داده چون تمام شد» و در پایان اینطور گفته است:

«آمدن ستر کن، راون شدن رام از شهر، رفتن رام به سر للوک، به تمام رسید فن هفتم از کتاب راماین که آن را اوتر کاند می گویند»<sup>۲۳</sup>

گوپال فرزند سری گویند «سمپورن راماین» یا راماین کامل را در سال ۱۰۹۲ ه.ق به نثر فارسی ترجمه کرد. آن وقت وی ۴۲ سال عمر داشت. گوپال در مقدمه این کتاب می گوید که "قبل از ترجمه راماین «فصل دهم از بهاگوت» را به فارسی ترجمه نموده است. وی می نویسد: این ذره بی مثال گوپال بن سری گویند که پیش از این «دشم اسکند بهگوت از

<sup>۲۳</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۴۶-۴۷، جلد اول

زبان.....پندت جیو شنیده، به فارسی ترتیب یافت، ادیای همه راماین نیز که از زبان  
حقیقت بیان.....(شاید نادر) ریشی بر آمده است، از پندت مذکوره شنیده، به زبان فارسی  
مرتب نماید»<sup>۲۴</sup>

راماین گوپال اینطور آغاز می شود:

همه آغازها در اندک ایام

به نام رام می یابد سرانجام

چند رمن بیدل که قبلاً ذکرش نموده ام. او در سال ۱۰۹۷ ه.ق راماین را به نثر فارسی نیز  
ترجمه کرده است. آن زمان که سبک متداول بوده، پیروی کرد.

امر سنگه در سال ۱۸۰۵ میلادی داستان راماین را به نثر فارسی ترجمه نمود. ترجمه  
راماین وی ساده، روان و سلیس است و اسم این ترجمه راماین را «امر پرکاش»  
گذاشت. ترجمه وی با جملات ذیل آغاز می شود:

"هزاران سجده نیاز بحضرت صانعی که زمین و زمان بقدرت او صورت  
گرفته.....بعد از این.....امر سنگه چنین گوید که...بخاطر گذشت که از حکایات  
گذشته مشتمل بر ثواب و نجات جهانیان.....بر صفحه قرطاس ثبت نماید. درین فکر فرو  
رفتم.....تا هاتف غیب....هدایت فرمود که کتاب راماین.....بزبانی که توانی ترجمه کن.....از  
کتاب مهابهارت.....و راماین سوال و جواب پارتی و سری مهادیو و تصنیف بالمیکی....و از

---

<sup>۲۴</sup> Ibid,p-47

هنومان ناتک و دیگر روایات معتبر.....برخی از همه گرفتیم.....تا در زمان خلافت، اورنگ  
زیب عالمگیر.....که سن .....یکهزار یکصد و هفده است از سال هجری.....انجام یافت.<sup>۲۵</sup>

دیوی داس یا دیوی داس یکی از مترجمان روان و ساده راماین می باشد که رام «چرت  
مانس» تلسی داس را به نثر فارسی ترجمه کرد. دیوی داس در ترجمه خود دو تا داستان یعنی  
داستان لو و کش و دیگر داستان سولوچنا زن میکه ناد (ایندرجیت) را اضافه کرده است.  
این ترجمه چنین آغاز می گردد:

"سجود ما به در گاه سری رامجیو که از تهمت وجود میرا"<sup>۲۶</sup>

راجیشوراؤ بهادر «اصغر» راماین را در سال ۱۳۴۳ هـ. به نثر فارسی در آورد که پرس اختر  
دکن (حیدرآباد) به چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر پنج دفتر می باشد که مهم و  
قابل توجه است.

آندگهن «خوش» ترجمه راماین هم به نثر فارسی از خود یادگار گذاشته و علاوه از این وی  
«بحرانجات» را تالیف نموده است. او اهل اکبرآباد بود.  
آغاز ترجمه وی اینطور است:

"گوناگون ستایش و سپاس در گاه آن ذوالجلال"<sup>۲۷</sup>

یک ترجمه راماین منشور نیز به نثر فارسی موجود است، ولی اسم نویسنده معلوم نیست که  
بیان بکنم. این ترجمه راماین و المیکی می باشد که چنین شروع می شود:

<sup>۲۵</sup> رجوع شود به مقاله دکتر سید امیر حسن عابدی، داستان رامایانا در ادبیات فارسی، شماره ۳-۲، ص ۳۴۳  
<sup>۲۶</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص ۴۹، جلد اول

<sup>۲۷</sup> Ibid



"حمد بی حدی است مر حضرت پروردگاری را که سایر موجودات پنهان و

آشکارا از قطره آب و مشتی خاک و پاره باد و آتش و عناصر پنجگانه به گوناگون قدرت

آفریده"<sup>۲۸</sup>

این ترجمه راماین منشور از حیث زبان ساده و روان و سلیس می باشد، در ترجمه مترجم

پیروی و تقلید از تالیف والمیکی را می توان دید.

---

<sup>۲۸</sup> Ibid

## فصل دوم

### احوال و آثار اقبال یغمایی

## اقبال یغمایی

اقبال یغمائی یکی از برجسته ترین شخصیت های زبان و ادبیات فارسی جدید است. مرحوم اقبال یغمائی ادیب، معلم، مؤلف، مصحح، روزنامه نگار، مدیر، شاعر، نویسنده و مترجم به زمان خود بود. او در سال ۱۲۹۵ شمسی در شهر خوربیا بانک بدنیا آمد که یکی از شهرستانهای استان اصفهان است و در سال ۱۳۷۶ شمسی در تهران فوت کرد.

نام پدر وی شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی بود اقبال یغمایی برادر کوچک مرحوم حبیب یغمایی مدیر مجله "یغما" و کوچکترین پسر خانواده خود بود. او با سایر افراد خاندان، در روستای خور، در اصفهان زندگی می کرد.

اقبال یغمایی تحصیلات مقدماتی خود را در محضر پدرش فرا گرفت. در این مخصوص اسفندیار معتمدی چنین آورده است:

"اقبال در خانواده علم و تقوا به دنیا آمد. به طور منظم تحصیل کرد. در مکتب روستا زمزمه محبت ملائی به نام حاج حسین قلی او را شیفته درس و بحث کرد. این ملا لذت آموختن را به او چشاند و خواندن قرآن را یادش داد. هنوز یکی دو سال از رفتن به مکتب نگذاشته بود که برادرش حبیب از تهران به دیدار پدر و مادر آمد و اقبال را با خود به تهران برد تا به جای مکتب به مدرسه رود، به جای نشستن بر تشکچه بر صندلی بنشیند و نیمکت

تکیه زند، و به جای درس خواندن در یک ساختمان اغلب غیر بهداشتی، در کلاس های درسی روشن به تحصیل پردازد و هم چون برادر، زبان فرانسه و علوم تجربی و تاریخی و جغرافی بخواند. خود می گوید: «در شش یا هفت سالگی به تهران آمدم. برادرم جیب این جا درس می خواند و شاگرد *دارالمعلمین* بود. من هم آمدم و پیش او دو تایی در اتاقی در مدرسه *دارالشفاء* که پیش مسجد شاه سابق بود و حالا خراب شده، زندگی می کردیم..... به هر حال من در تهران به مدرسه رفتم... تصدیق ابتدایی را در سال ۱۳۰۷ از این مدرسه گرفتم.... بعد رفتم مدرسه علمیه که پشت میدان بهارستان بود. آن جا هر دو رشته علمی و ادبی را داشت، من رشته ادبی را انتخاب کردم...»<sup>۲۹</sup>

پس از اتمام تحصیلات مقدماتی اقبال یغمایی در سال ۱۳۱۲ شمسی به دانشسرای مقاماتی تهران وارد شد و او در تهران زیر نظارت استادان بزرگ زمان از جمله *جلال الدین همایی، محیط طباطبای، ابوالقاسم نراقی، نصرالله فلسفی و احمد بهنیا*ز پیشرفت و لیاقت بدست آورد. سپس او بر عهده آموزگاری و پرورشکاری نشست و تقریباً ۶۰ سال تدریس کرد. اقبال یغمایی نه فقط دیپلم ادبی گرفت بلکه وارد دانش سرای عالی شد و دوباره خودش را زیر استاد *جلال الدین همایی* آورد. او این قدر در کار معلمی مشغول بود که برای تحصیلات عالی فرصت نیافت که درجه لیسانس بگیرد. او خود را تحت تاثیر استادان *دکتر لطیف علی*

<sup>۲۹</sup> نقل از مجله رشد معلم، شماره هشتم-اردیبهشت، اسفندیار معتمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲.

صورتگر، بدیع الزمان فروزانفر و علامه سید کاظم عصار بره های برد و از خانم ماه منیر نفیسی و خانم دکتر جزایری، زبان فرانسه را یاد گرفت.

راجع به تدریس و اشتغالهای خود اقبال یغمایی می نویسد که "بعد از اتمام دانش سرای، من و یک نفر دیگر را به شاهرود فرستادند. فکر می کنم که سال ۱۳۱۵ بود. آن جا یک مدرسه ملی بود. ما که رفتیم، کلاس دوم را هم تشکیل دادیم و بعد هم یک کلاس سوم راه انداختیم"<sup>۳۰</sup>

اقبال یغمایی در مدارس شاهرود، دامغان و مشهد حدود ده سال به تدریس و خدمت زبان و ادبیات فارسی و فرانسه مشغول بوده و مدتی هم رییس دبیرستان بود. شایسته ذکر است که او در این مدت کارهای علمی پژوهشی نیز مشغول بود. وی در سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شد و کار نوشتن زندگی نامه ها شروع کرد. او زندگی نامه خواجه نصیر طوسی، ابو مسلم خراسانی، فردوسی، بزرگ مهر و سید جمال و عظمی اصفهانی..... و نیز شرح احوال «وزیران علوم و فرهنگ ایران» را نوشت.

اقبال یغمائی به قلم خود:

---

<sup>۳۰</sup> همان مجله، ص ۱۳

"نامم اقبال و نام خانوادگیم یغمائی بسال ۱۲۹۵ خورشیدی در خور که درست در مرکز ایران در کویر است به دنیا آمدم، پدرم حاجی اسدا... مُنتخب السادات آل داود نام و لقب داشت.

۷سال داشتم که برادرم "حبیب یغمائی" مرا به تهران برد تا در آنجا تحصیل نمایم، پس از تحصیلات در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در سمت دبیری به استخدام وزارت معارف آموزش و پرورش کنونی- درآمدم و به شاهرود رفتم.

در سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شدم و در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ مشغول به کار شدم. مدت ۴ سال سرپرست مجله آموزش و پرورش بودم و پس از آن "مجله دانش آموز" را انتشار دادم- نکته اینکه اقبال یغمائی موسس مجله دانش آموز بوده است

در ۱۲/۱۰/۱۳۴۷ بازنشسته شدم و سالی چند در بنیاد فرهنگ ایران فعالیت مینمودم.<sup>۳۱</sup>

اقبال یغمایی پس از تدریس دو سال در مدارس تهران به اداره نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد. خدمات عمده وی همکاری و مدیریت در انتشار مجله دانش و آموزش و پرورش بوده و او با برادر خود حبیب یغمایی که مدیر مجله "آموزش و پرورش" بود، همکاری کرد و او در همان سال ۱۳۲۵ شمسی به طور رسمی مسولیت مدیریت مجله "آموزش و پرورش" را بر عهده گرفت و بعد از آن به مدت چهار سال آن سمت را عهده داشت.

---

<sup>۳۱</sup> <http://www.naakojaa.com/author/17955>

در سال ۱۳۳۲ ش اقبال یغمایی مجله "دانش آموز" را آغاز کرد که ویژه ادبیات کودکان و نوجوانان بود. بعد از چند سال به علت کمبود بودجه مجله "دانش آموز" تعطیل شد و اقبال یغمایی به اداره کل انتشارات و نگارش انتقال یافت و در آن جا کارهای علمی خود را ادامه داد.

اقبال در سال ۱۳۴۷ از وزارت آموزش و پرورش باز نشسته شد، در همان سال از طرف دکتر پرویز خانلری که دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران بود، به همکاری در کارهای علمی پژوهش دعوت شد. او در همان زمان به دکتر محمد امین برای نوشتن زندگی نامه های بزرگان ایران برای جوانان پیشنهاد کرد دکتر محمد امین ریاحی آن را پذیرفت و اقبال یغمایی در این کار خودش را مشغول گذاشت و کارهای متعدد را انجام داد که چاپ و منتشر شدند.<sup>۳۲</sup>

قبلاً ذکر شده است که برادر بزرگ اقبال یغمایی نیز روزنامه نگار و محقق ادبی و شاعر ایرانی آن زمان بود. مادرش شاعر و از گروه یغمای جندقی تعلق داشت. به همین علت وی برای خود فامیلی یغمایی را انتخاب کرد. مادر و پدر وی فقیه و دانشمند بزرگ بودند. حبیب یغمایی در سال ۱۲۷۰ شمسی در شهر خور چشم به جهان گشود و در سالگی هشتاد و شش در سال ۱۳۶۳ شمسی در گذشت. او دوران کودکی با کمک ملایان محلی قرآن را آموخت و بعد از آن در تحصیلاتی مقدماتی خودش را مشغول گذاشت. او از کودکی خوش نوا و هنرمند بود و برخی از خواسته های خود را با کمک شعر بیان می کرد. چون که پدرش هم عالم بود. به

---

<sup>۳۲</sup> نامه اقبال یغمایی، یاد نامه اقبال یغمایی، به کوشش سید علی آل داود، از انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷، ص. ۱۳-۲۲

همین سبب همکاری اطراف خوبی گرفته است. وی در سال ۱۲۹۵ شمسی در دمغان مدرسه  
ناظمیه به تحصیل مشغول شد. سپس وی در سال ۱۳۰۰ شمسی از دمغان به تهران رفت و  
برای تحصیل عالی در مدرسه بنام آلیانس داخل شد و او در دارالمعلمین در ریشه ادبی به  
تحصیل مشغول شد و کار تحقیقات و نویسندگانی با کمک استادان آن زمان چون رییس  
دارالمعلمین ابوالحسن فروغی، عبدالعظیم خان و عباس اقبال انجام داد.<sup>۳۳</sup> عباس اقبال او از  
کار نگارش و پژوهش حمایت می کرد.

سال شمار زندگی حبیب یغمایی:

"۱۲۷۷ تولد در دهکده خور مرکز بخش جندق و بیابانک.

۱۲۸۳ شروع به تحصیل در مکتبخانه روستا در سن ۶ سالگی.

۱۲۸۵ شروع به تحصیلات مقدماتی نزد پدر.

۱۲۹۵ مهاجرت به دامغان و اقامت ۳ ساله برای تحصیل در مقطع دبیرستان در مدارس

سعادت و ناظمیه به مدیریت عبدالله خان یاسایی.

۱۲۹۸ عزیمت به شاهرود و اقامت دو ساله بمنظور ادامه تحصیل.

۱۳۰۰ عزیمت و مهاجرت به تهران و سکونت در مدرسه دارالشفاء ادامه به تحصیل در

مدرسه آلیانس.

۱۳۰۱ شروع به تحصیل در دارالمعلمین عالی.

۱۳۰۲ عضویت در انجمن ادبی ایران.

<sup>۳۳</sup> از مقاله ایرج افشاری، زندگی نامه و فهرست نامه آثار یغمایی، یاد نامه حبیب یغمایی، ص. ۶۳۳-۶۴۰.



- ۱۳۰۳ همکاری و ارسال مقالات برای روزنامه طوفان به مدیریت فرخی یزدی.
- ۱۳۰۴ انتشار کتاب با عنوان «شرح حال یغما و جغرافیای جندق و بیابانک» با مقدمه عباس اقبال آشتیانی.
- ۱۳۰۵ پذیرفتن مسئولیت فهرست نویسی نسخه های خطی کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان.
- ۱۳۰۶ عزیمت به سمنان و انتصاب بعنوان رئیس اداره فرهنگ آن شهر تا سال ۱۳۰۸.
- ۱۳۰۷ انتصاب بعنوان رئیس اداره ثبت احوال خور برای مدت اندک.
- ۱۳۰۸ بازگشت مجدد به تهران پس از ۲ سال اقامت در سمنان. شروع به تدریس در مدارس تهران و سال بعد در مدرسه دارالفنون.
- ۱۳۰۹ همکاری با پرفسور محمد اسحاق هندی در تالیف کتاب دو جلدی و چاپ در کلکته با عنوان «سخنوران ایران در عصر حاضر». شروع به تدریس در مدرسه دارالفنون.
- ۱۳۱۰ دیمه، فوت پدرش اسدالله منتخب السادات.
- ۱۳۱۱ در گذشت مادرش، فاطمه.
- ۱۳۱۲ نگارش و انتشار کتاب رمان عشقی تاریخی با عنوان "دخمه ی ارغوان".
- ۱۳۱۳ عضویت در اداره انطباعات وزارت معارف.

۱۳۱۴ ابتلا به بیماری اعصاب و وخامت وضعیت جسمانی. شروع همکاری با فروغی در تصحیح و طبع دیوانها، رسالات و نسخ کهن خطی به پیشنهاد وزیر معارف وقت. تالیف رساله ای کوتاه در معرفی تالیفات و آثار ابن سینا با نام « فهرست مصنفات شیخ الرئیس ».

۱۳۱۵ تالیف رساله بمنظور آموزش دانش قافیه و مطابق با برنامه رسمی وزارت معارف با عنوان «علم قافیه».

۱۳۱۶ همکاری در انتشار ویژه نامه « سعدی نامه » ضمیمه مجله آموزش و پرورش. باهتمام و همکاری محمدعلی فروغی شروع به تصحیح کلیات سعدی تا سال ۱۳۲۱.

۱۳۱۷ تصحیح، چاپ و انتشار « گرشاسب نامه » اثر اسدی طوسی.

۱۳۱۸ تصحیح غزلیات سعدی با همکاری استاد محمدعلی فروغی.

۱۳۲۱ ششم آذرماه، فوت فروغی و ادامه کار انتشار کتاب منتخب شاهنامه به تنهایی.

۱۳۲۲ قبول مسئولیت سردبیری مجله " نامه فرهنگ " بمدت ۵ سال. قبول سردبیری نشریه " نامه فرهنگستان " تا سال ۱۳۲۹. انتشار و چاپ منتخب شاهنامه.

۱۳۲۳ پذیرفتن مدیریت و سردبیری مجله آموزش و پرورش بمدت ۳ سال. انتشار رساله ۲۰ صفحه ای، ترجمه سعید نفیسی با عنوان " سازمان آموزش عمومی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی".

۱۳۲۵ تصحیح و نگارش مقدمه مفصل بر دیوان منوچهری دامغانی.

۱۳۲۷ تاسیس و شروع به انتشار مجله یغما . بهمن ماه، عزیمت به کرمان و انتصاب بعنوان رئیس اداره فرهنگ کرمان بمدت ۳ ماه.

۱۳۲۸ انتقال و عزیمت از کرمان به تهران و اشتغال با عنوان بازرس وزارت فرهنگ در دولت دکتر مصدق.

۱۳۳۱ انتصاب بعنوان ریاست اداره کل نگارش وزارت فرهنگ در دوره وزارت دکتر مهدی آذر.

۱۳۳۲ تالیف رساله ای کوتاه به نظم و نثر در ۱۶ صفحه با عنوان " کاروان فرهنگی از پاکستان به ایران."

۱۳۳۷ تالیف رساله ای کوتاه در باب تاریخ، جغرافیا، مردم شناسی، زبان و لهجه، معرفی روستاها و فرهنگ مردم جندق و بیابانک با عنوان " واحه جندق و بیابانک یا کویر نشینان مرکزی."

۱۳۳۹ تصحیح و انتشار کتاب ۷ جلدی از تفسیر طبری تا سال ۱۳۴۴.

۱۳۴۰ تشرف به خانه خدا حج و انجام سفر روحانی حج. تصحیح کتاب " قصص الانبیاء " تالیف ابو اسحاق نیشابوری. انتشار نامه های طبیب نادر شاه، ترجمه دکتر علی اصغر حریری بمناسبت افتتاح ساختمان جدید آرامگاه نادر شاه در مشهد.

۱۳۴۱ شروع به تدریس صناعات ادبی، قافیه و برخی دروس دیگر در دانشسرای عالی و مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی تا سال ۱۳۴۴.

۱۳۴۳ تصحیح کتاب با عنوان " نمونه نظم و نثر فارسی " از آثار اساتید متقدم با مقدمه استاد ایرج افشار.

۱۳۴۴ انتشار سفرنامه منظوم مکه معظمه و مدینه منوره توسط انتشارات مجله یغما با عنوان " مدینه پیغامبر " یا " شهر پیامبر. "

۱۳۴۹ تاسیس کتابخانه عمومی خور و بیابانک با دو سالن مجزا. تالیف و انتشار کتاب با عنوان " فردوسی و شاهنامه او. " نگارش یادنامه سیدحسن تقی زاده شامل مجموعه ۳۰ مقاله، شعر و سخنرانی بمناسبت در گذشت وی.

۱۳۵۰ نگارش یادنامه مجتبی مینوی شامل ۳۸ گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس ۵۰ سال تحقیقات و مطالعات وی با همکاری استاد ایرج افشار و محمد روشن.

۱۳۵۱ انتشار گزیده سروده ها و اشعار خودش توسط انتشارات مجله یغما با عنوان " سرنوشت. " جمع آوری و طبع مجموعه خطابه ها، سخنرانی ها و مقالاتی که محمدعلی فروغی در باب فردوسی و شاهنامه نوشته با عنوان " مقالات فروغی. "

۱۳۵۳ انتشار مجموعه مقالات ارائه شده بمناسبت بزرگداشت استاد علی محمد عامری بنام " عامری نامه " توسط انتشارات مجله یغما. انتشار جلد اول مقالات فروغی با همکاری ایرج افشار شامل ۲۵ رساله، خطابه و مقاله در موضوعات تاریخی، ادبی، حقوقی، سیاسی،

اجتماعی و مسائل گوناگون روز. مه‌رم‌اه، انتشار نامه ی نوشته شده به شیخ اجل سع‌دی شیرازی در مجله یغما در باب شیوه های گوناگون تصحیح کلیات.

۱۳۵۴ تصحیح و انتشار کتاب با عنوان " ابیاتی از مولانا صائب " در دیماه. چاپ جداگانه بخش نخست کتاب فردوسی و شاهنامه او در ۱۹۶ صفحه مجزا به نام " فردوسی در شاهنامه " توسط انتشارات مجله یغما

۱۳۵۵ دریافت درجه دکتری افتخاری ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه تهران. انتشار جلد دوم مقالات فروغی با همکاری ایرج افشار حاوی برخی مقالات سیاسی، گزارش ها و همچنین مقدمه های او بر کتب مختلف. بروز بیماری از ناحیه چشم و شروع دوران نابینایی.

۱۳۵۶ عزیمت به لندن برای درمان نابینایی چشم. سرودن منظومه ای با عنوان " نابینایی " در زمان اقامت در لندن.

۱۳۵۷ انتشار منظومه در قالب مثنوی شامل برگزیده ای از اشعار منظومه نابینایی، متضمن گوشه هایی از احوال خود و وقایع زندگی شخصی و اجتماعی در زمان حضور در لندن با نام " سلام آباد. "

۱۳۵۸ انتشار منظومه ای در قالب مثنوی توسط انتشارات مجله یغما با نام " کارنامه کرمان. همکاری در تهیه و تدوین مجموعه " سی گفتار " به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات سید محمد محیط طباطبایی و نگارش مقدمه کوتاه و قصیده ای در ستایش استاد طباطبایی.

۱۳۶۰ جمع آوری و انتشار کتاب با عنوان "رجال عصر مشروطیت" با همکاری استاد ایرج

افشار بر گرفته از مجموعه نوشته ها و یادداشت های سید ابوالحسن علوی درباره احوال و

زندگی نامه ۱۶۲ نفر از رجال دوران مشروطیت. اسفندماه، تعطیلی دایمی مجله یغما پس از

۳۱ سال انتشار مستمر. سفر به کرمان و اقامت یکساله در آنجا.

۱۳۶۱ بازگشت از کرمان و اقامت در تهران. تصحیح و انتشار غزلیات سعدی.

۱۳۶۳ فوت در بیست و چهارم اردیبهشت ماه. بیست و ششم اردیبهشت، حمل پیکر استاد

به خور بیابانک و دفن در آرامگاه احداثی توسط خودش بر فراز تپه گچ.

۱۳۷۲ تالیف رساله مفصلی در شرح قصیده معروف خاقانی با مطلع «فلک کجرو تر است

۳۴

از خط ترسا»

مهمترین آثار حبیب یغمایی عبارتند از:

○ فردوسی در شاهنامه، ۱۳۴۳

○ علم قافیه، ۱۳۴۰

○ جغرافیای جندق و بیابانک، ۱۳۰۴

○ نمونه نظم و نثر فارسی، ۱۳۴۳

○ غزلیات سعدی، تصحیح، ۱۳۶۱

○ گلستان سعدی، تصحیح

---

<sup>۳۴</sup> <http://jamejamonline.ir/online/670310861965210873>

از تهیه و تنظیم- محمد شکرالله زاده، استاد حبیب یغمایی، جام جم آنلاین.

○ گرشاسب نامه، اسدی طوسی، تصحیح، ۱۳۱۷

○ دخمه ارغون (مجموعه اشعار)

○ منتخب شاخنامه، تصحیح

اقبال یغمایی از محققان بزرگی و سخت گوش و مترجمان شایسته و زحمت کش و ابتکار بود

که فهرست آثار وی بیش از چهل می باشد. نخستین آثارش که دربارهٔ جوانان و درمورد

زندگانی بزرگان علمی و تاریخی ایران را نشان می دهد.

دوم آثار اقبال یغمایی مشتمل بر جغرافیای و تحقیقات تاریخی است و سوم آثارش درمورد

عمل و ادبی و تحریر و تصحیح و تالیف می باشد. علاوه بر این وی بیش از ۲۰۰ مقاله در

زمینه های مختلف و ترجمه های آثار معروف ادبیات اروپای و ایرانی و مقالات تحقیقی

۳۵

درباره تعلیم و تربیت در مجله معتبر چاپ رسیده که مورد قابل توجه می باشد.

### خداوند دانش و سیاست: خواجه نصیرالدین طوسی

خداوند دانش و سیاست خواجه نصیرالدین طوسی دربارهٔ آثار، نظریات و افکار

دانشمندان، ادیب و فیلسوف ایرانی، زندگی و زمان خواجه نصیرالدین طوسی را با خوبی بیان

می کند. این کتاب مشتمل بر هشت بخش است.

---

<sup>۳۵</sup> نامه اقبال یغمایی، یاد نامه اقبال یغمایی، به کوشش سید علی آل داود، از انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷، ص، ۴۰.

بخش اول درباره علم و دانش و سیاست کارهای طوسی می باشد، بخش دوم مربوط به تصنیف ها و ترجمه ها و تحریرهای نصیرالدین طوسی است، بخش سوم داستان ها و افسانه ها که مربوط به خواجه طوسی است، بخش چهارم درمورد استادان خواجه نصیرالدین طوسی مطرح شده است، بخش پنجم همکاران وی دوران ایجاد رصدخانه مراغه، بخش ششم که درباره شاگردان خواجه است، بخش هفتم معاصران وی را بیان می کند و بخش آخر درمورد اشعار خواجه نصیرالدین طوسی است. در این کتاب اقبال یغمایی میراث غنی فرهنگ ایران را با خوبی نوشته که از اداره کل و نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران، در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

### شهید راه آزادی، سید جمال واعظ اصفهانی

این کتاب درمورد زندگی نامه و سفرهای مختلف سید واعظ اصفهانی با مقدمه دکتر باستانی پایزی و سید محمد علی جمال زاده می باشد. این کتاب از طوس در سال ۱۳۵۷ شمسی، تهران، چاپ شد.

### شیخ مولانا جمالی

این کتاب که توسط اقبال یغمایی نوشته شده، درباره داستان های عاشقانه فارسی ذکر شده است و در سال ۱۳۷۴ از هیرمند منتشر شد.



## مدرسه دارالفنون

این کتاب در سال ۱۳۴۷ ش منتشر شد.

### سفرنامه ژان شاردن-متن کامل

نویسنده این کتاب ژان شاردن است که اقبال یغمایی این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب درباره سفر ژان شاردن در ایران می باشد که در دوره صفویه از اروپا به ایران آمد. او تقریباً شش سال در ایران زندگی کرد و زبان فارسی و فرهنگ ایرانی با خوبی آشنای پیدا کرد. کامل ترین ترجمه این کتاب که اقبال یغمایی به زبان فارسی کرد و نه جلد از دوازده جلد کتاب را ترجمه کرد.

مجلدات سفرنامه ژان شاردن عبارتند از:

- "تاجگذاری شاه سلیمان (شرح دو سال پر ماجرا از سیاست ایران)
- سفر پاریس تا اصفهان (سه جلد سفرنامه شامل طول سفر، اقامت در قسطنطنیه و کلشید و خاطراتی حضور در اصفهان)
- کتاب اصفهان (شرح موقعیت شهر و بناهای تاریخی)
- شرح و وصف کلیات ایران (نوزده فصل)
- شرح دانش ها و هنرهای ایرانیان (شانزده فصل)
- سازمان سیاسی و نظامی ایران (شانزده فصل)

○ جامع عباسی نوشته شیخ بهایی

○ تخت جمشید (سایر آثار باستانی استان فارس)

۳۶

○ سفرنامه اصفهان تا بندر عباس"

## زگفتاردهقان: شاهنامه فردوسی به نظم و نثر

این کتاب ادبی اقبال یغمایی است که تحریر منثور و منظوم شاهنامه فردوسی می باشد، در سال ۱۳۶۷ از تهران چاپ شد.

## داستان های عاشقانه ادبیات فارسی

این کتاب راجع به داستان های عاشقانه در ادبیات فارسی مانند لیلی و مجنون و خسرو شیرین است که سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ شمس از هیرمند به چاپ رسیده است.

## داستان های پهلوانی و عیاری ادبیات فارسی

این کتاب درباره داستان های پهلوانان و عیاران نوشته شده که اقبال یغمایی ویژگیهای عیاران و پهلوانان را بیان می کند و در سال ۱۳۷۷ از هیرمند، تهران، چاپ شد.

## خلیج فارس

خلیج فارسی کتابی معروف اقبال یغمایی است که در سال ۱۳۵۴ از وزارت فرهنگ و هنر، هیرمند منتشر شد. این کتاب سال‌ها در دانشکده‌های گوناگون کتاب درسی بود.

## عارف نامی بایزید بسطامی

این نخستین کتاب اقبال یغمایی است که در سال ۱۳۱۷ شمسی از تهران چاپ شد و بعد از پنجاه سال دوبار ۱۳۶۷ به نام «بسطام و بایزید بسطامی» از انتشارات توس منتشر شد.

## عشق و پادشاهی یا داستان تاریخی نورجهان و جهانگیر

کتاب تاریخی است که در سال ۱۳۲۵ شمسی به چاپ رسیده است.

## ابومسلم نامه

"اثر ابوظاهر بن علی بن حسین طوسی که با نام حماسه ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۵۵ ش بر اساس نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آماده چاپ و توسط انتشارات گوتمبرگ به چاپ رسیده است. مصحح این چاپ را که بسیار مغلوط

۳۷

در آمد تصحیح و برای چاپ دوم آماده کرده است."

---

۳۷. ۶ سال با کتاب، نگاهی به زندگی و آثار اقبال یغمایی، سید علی ال داود، کتاب نامه تابستان، ۱۳۷۶، ص. ۳۱.

## افرند

این مجموعه داستان های آموزشی که از انتشارات توس، تهران، چاپ شد. چاپ دیگر افرند به نام «آخرین درس» است.

## طرفه ها

"مجموعه ای از حکایات مختلف و گوناگون که مولف آنها را از منابع متعدد ایرانی و خارجی گرد آورد و سبک خاصی و دلپذیری تدوین نموده است. این کتاب در سه مجلد و بخش زیادی از سال ها به صورت متفرقه در شماره های گوناگون مجله یغما منتشر شده است. طرفه ها از نظر نگارش و جذابیت جالب توجه است، کتابی همانند جوامع الحکایات عوفی، با این تفاوت که عوفی جای اثر خود تحت تاثیر منبعی قرار گرفته که حکایت را از آن نقل کرده است، اما نثر طرفه ها یکدست و هماهنگ است. طرفه ها جلد اول در سال ۱۳۶۱ و دوم در سال ۱۳۶۱ ش توسط نشر انتشارات آفرینش منتشر شده و جلد سوم را توس در

۳۸  
دست چاپ دارد"

## سفرنامه شادرن

این یکی از مهمترین ترجمه های اقبال یغمایی است که در پنج جلد ، از انتشارات توس به چاپ رسیده است.

## وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران

این اثر اقبال یغمایی که به صورت مقالاتی در مجله آموزشی و پرورش به چاپ رسیده است.

علاوه بر آثار فوق اقبال یغمایی بیشتر مقالات و کتاب ها و ترجمه های کتاب برجسته از نشریات ادبی به چاپ رسیده اند. عبارتند از:

- تشبیهات شاعرانه
- جغرافیای تاریخی دامغان
- ترجمه ربنسون کروزره از دانیل دفو
- پتی شز از آناتول فرانس
- تلماک از نوشته فنلون
- پل و ویرژینی
- بزرگمهر
- سیستان و بلوچستان
- هوس نامه خسرو و شیرین
- مجله دانش آموز

- مجله رایزن برای کودکان
- خمسه نظامی
- حکایت های آسیایی
- دانستنی های علمی
- تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف
- تاریخچه اعزام محصل
- پلدونیرونی
- گزیده و شرح قابوس نامه
- <sup>۳۹</sup> گزیده و شرح نظامی

فصل سوم

مطالعه انتقادی راماین اقبال یغمایی

"مختصر راماین کهنترین اثر حماسی هندوان"

## بررسی انتقادی "مختصرراماین اقبال یغمایی"

کتاب «مختصر راماین» مهمترین اثر حماسی هندوان است که یکی از معروفترین کتابهای فارسی جدید و شاهکار اقبال یغمایی است. قبل از این بیشتر ترجمه‌های راماین شده‌اند اما اینگونه به اوج کمال نرسیده است. کتاب «مختصرراماین» که توسط اقبال یغمائی نوشته شده است مربوط به کتاب مقدس هندوان است و این کتاب در پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی در چاپخانه رامین چاپ شد. این کتاب در زبان و ادبیات فارسی دارای اهمیت و ارزش فوق العاده می باشد.

در زبان و ادبیات فارسی ترجمه نگاری یکی از مهمترین بخش‌های ادبیات فارسی است. همانطور که می‌دانیم این کتاب در کشور ایران در برابر دیگر راماین های فارسی ، بسیار معروف شد. در دوره حکومت گورکانیان بالخصوص در عهد اکبر توسط گروه مترجمان در سال ۹۹۷ هجری قمری کتاب راماین از زبان سندسکرت به زبان فارسی ترجمه شده است. بعد از آن چند نویسندگان به زبان دیگر نیز ترجمه کرده اند. در مقابل ترجمه راماین که از عبدالقادر بداونی شده بود ، این ترجمه ایرانیان را بیشتر تحت توجه قرار نگرفته است. زیرا که این کتاب ترجمه لفظ به لفظ بود اما وقتیکه ما در مورد این کتاب «مختصر راماین» حرف می‌زنیم، می‌یابیم که به طرز نو و لطیف و از لحن و شیوه امروزی ترجمه کرده است ، جالب و قابل فهم به نظر می آید به این سبب این کتاب در ایران و دنیای ادبیات فارسی معروف گشت و مردم ایران به طور کلی با داستانهای راماین آشنا شدند و دوست دارند. اقبال یغمایی درمورد راماین می گوید:



"راماین کهنترین حماسه منظوم سانسکریت و بی گمانی یکی از آثار جاویدان جهان است که هرگز نامش از صفحه گیتی زدوده نخواهد شد. قدمت و لطافت و گیرایی «راماین» آن را در شمار کتب مقدس هندوان در آورده است. در گیتی کمتر اثری می توان یافت که به اندازه «راماین» پسند خاطر دانایان افتاده باشد."<sup>۴۰</sup>

این کتاب سخت‌ترین و پرداخته‌ترین ترجمه منشور است که قبل از وی امیر سینگه به سال هزار و صد و هفده هجری قمری سال پادشاهی اورنگ زیب پسر شاه جهان به پایان برده است. بعداً این کتاب را دکتر عبدالودود اظهر دهلوی در سال ۱۳۰۰ شمسی در دو جلد تصحیح کرد و سپس اقبال یغمائی این کتاب را با زبان روان و سلیس به زبان فارسی ترجمه کرد و با طرز جدید در میان مردم ایران گذاشته است و معروف شد.<sup>۴۱</sup>

اقبال یغمایی با کمک کتاب دکتر عبدالودود اظهر دهلوی و دیگر که به زبان فارسی ترجمه شده، کتاب «مختصر راماین» را به طبق فرهنگ و تمدن ایران و هند به چهارچوب تازه که قبل از هیچکس پرداخته، دقیق و مختصر کرد.

همانطور که ما بلد هستیم که راماین یکی از بلندترین حماسه های سراسر جهان می باشد و این را برای دقیق و مختصر کردن کار آسان نبود که اقبال یغمایی پرداخته است. به همین علت می توان گفت که «مختصر راماین اقبال یغمایی» نخستین کتابی که در دنیای ترجمه کتابهای مقدس هندوان «راماین» بعد از سال طولانی زبان و ادبیات

<sup>۴۰</sup> اقبال یغمایی، مختصر راماین، انتشارات بنیادی فرهنگ ایران، تهران، ۱۹۷۶، ص، ۱۱

<sup>۴۱</sup> همان کتاب، ص، ۱۲

فارسی را دوباره غنی تر کرد و با کمک کتابش همه فرهنگ و تمدن و اداب و رسوم قدیمی هندوستان را در دوره جاری احیا کرد.

راماین اقبال یغمایی از لحاظ چند نکته خیلی مهم می دانم چون که تمام اختلافات در متون مختلف راماین و داستانهای راماین را حذف نموده و کتاب «مختصر راماین» را تدوین و ترتیب داده است. راماین اقبال یغمایی یکی از نمونه های خوب و جالب فارسی در ایران و هند و درمیان پارسی گوینان مردم جهان می باشد. اگر چه مترجم «مختصر راماین» از واژه های سانسکریت و هندی استفاده کرده و بار هم کوشیده که عبارت ساده و روان و سلیس باشد. وی در کتاب خود برخی از واژه های فارسی که در جامعه هند متداول بوده است، آن معنی مخصوص را بکار برده است. مثلاً "ماحضری" به معنی غذای ساده، " و "ترش گوی" به معنی عصبانیت و "شادی" به معنی عروسی و "گرفتاری" به معنی در بند . "هنومان" به معنی میمون و "جنگ" به معنی مبارزه و جنگ و "دیدار" به معنی عیادت و بازدید و غیره که در هند و ایران آن روزگار دیده می شود.

اصطلاحات اسلامی که به دوره اقبال یغمایی رایج بوده، وی در کتاب «مختصر راماین» بکار نبرده است. مثلاً از "خطبه نامش خواندند" یا برای زنان "پرده نشینان" و "حجاب نشینان" استفاده نکرده است و این یکی از مهمترین کیفیتهای راماین اقبال یغمایی می باشد.

اگر ما درباره «راماین امر پرکاش» مورد مطالعه قرار می دهیم بعد از آن معلوم می شود که "تشبیهات و کنایات هندی را به فارسی بکار برد. مثلاً "قشقه سلطنت لنکا یافت" یعنی پادشاهی آنجا را گرفت. چشمها را در پیروی از ادبیات سانسکریت و هندی به گل نیلوفر (به جای نرگس) تشبیه نموده است یا «اقتدام مبارک را بوسیده.....»<sup>۴۲</sup> اما در کتاب «مختصر راماین» تشبیهات و کنایات هندی را نمی توان دید. چون که برای مردم ایران، فهمیدن تشبیهات و کنایات خدایان هندو دشوار می باشد. به همین علت مقبولیت راماین اقبال یغمایی میان پارسی گویان بیش از ترجمه های راماین دیگر مشهور شد.

وقتی که ما در مورد «راماین والمیکی» تحت مطالعه قرار بدهیم، می بینیم که راماین والمیکی دارای بیست و چهار هزار بیت است که هفت باب شرح زیر آمده است:

### " ۱- بال کاند:

بال کند فصل مربوط به دوران کودکی رام با تفصیل بیان شده است.

### ۲- ایودھیا کاند:

دفتر یا فصل مربوط به تبعید رام.

---

<sup>۴۲</sup> به نقل از، دکتر عبدالودود اظہر دہلوی، راماین کتاب مقدس ہندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۵۰.

### ۳- آرنیه کاند:

دفتر یا فصل درباره زندگی رام در جنگل.

### ۴- کشکندها کاند:

دفتر یا فصل در مورد توقف رام در کشکندها.

### ۵- سندر کاند:

دفتر یا فصل زیبا که در آن رفتن هنومان به لنکا و زیبای لنکا بیان شده است.

### ۶- یوده کاند:

دفتر یا فصل جنگ و نبرد.

### ۷- اوتر کاند:

دفتر یا فصل آخر مربوط به دوره آخر زندگانی رام و تبعید سیتا و فرو رفتن او در زمین و

صعود رام به عالم بالا و قسمت نمودن سلطنت میان پسران خود.<sup>۴۳</sup>

این تمام کندهای راماین و المیکی اساس مهی راماین قرار داده شده و برای آشنا شدن

راماین (تمدن و فرهنگ و آداب و رسوم و اخلاق و سیاست هند) کندهای و المیکی لازم می

باشد. اما بعد از خواندن «مختصر راماین اقبال یغمایی» معلوم می شود که اقبال یغمایی

---

<sup>43</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۱۸.

هیچ کاندها را ذکر نکرده است. ذکر کاندهای «راماین و المیکی» برای خوانندگان فارسی گویان لازم و اجباری است که ذکر می شود.

داستانهای راماین اقبال یغمایی طبق کاندهای راماین و المیکی ترتیب می دهم. عبارتند از:

## بال کاند

○ تولد رامپندر

○ جسرت پادشاهی مهربان و مردم گرا

○ شیر برنج مراد بخش

○ کودکی بی همتا

○ بسوامتر زاهد

○ سیتای زیبا

○ خواستگاری راون

○ هنر نمایی رامپندر

○ پیک شادی

○ عروسی

○ بازگشتن جسرت

## ایودهیا کاند

- اندوه پیری
- شرانگیزی
- سفر
- بلای نفرین
- خشم گرفتن بر مادر
- مکافات گستاخی
- زنی خردور و پندآموز
- پارسایی و شنندل

## آرنیه کاند

- فتنه انگیزی زنی هوسباز
- راون بدسرشت
- فریب یاری کرکس
- گرفتاری سیتا
- در جستجوی سیتا

## کشکندها کاند

- رامچندر در سر زمین میمونان
- میمونان در جستجوی سیتا

## سندرکاند

- نمایان شدن هنومان بر سیتا
- آشوبگرهای هنومان
- پایمردی بهییکهن
- سوختن لنکا
- رایزدن راون با بزرگان و وزیران
- پل بستن بردریا
- گذر از دریا

## یوده کاند

- بزم بدفرجام
- جادو گری بده جوده
- محاصره لنکا
- خشم گرفتن راون بر انگد

- میدان داری اندرجیت
- یاری خواستن راون از کنبه کرن
- ره آموزی مندودری
- کین خواهی کونبه کرن
- آگاه شدن راون از کشته شدن برادرش
- مجروح شدن رامچندر و لکچهمن
- در جستجوی دارو
- شفا یافتن مجروحان
- پیکار لکچهمن با اندرجیت
- ربوده شدن رامچندر و لکچهمن در خواب
- جنگ راون با رامچندر
- دیدار سیتا و رامچندر
- باز گشتن به اوده

## اوترکاند

- تاجگذاری رامچندر
- غوغا گری انگد
- باز گشتن یاران
- بارداری سیتا



- سخن ناهموار بدگو
- رنج بد گمانی
- تولد کش و لو
- لو و کش در حضور رامچندر
- دگر بار سو گند خوردن سیتا
- داستان به صورتی دیگر در رزمگاه
- باز گشتن بزرگان به کشورهای خود
- آمدن مرگ به سراغ رام
- سر گذشتن شهر اوده

داستانهای راماین که در کتاب «مختصر راماین» ذکر نشده اند. عبارتند از:

## "بال کاند"

- بیرات روپ رام در دوران کودکی
- رسیدن به ترهت
- به باغ رفتن رام و دیدار سیتا
- مستجات شدن دعای سیتا و جواب دادن سری بهوانی
- فرستادن قاصد به ایودھیا

○ مراسم خواندن شجرهٔ نسب

## ایودهیا کاند

○ تصمیم گرفتن راجه جسرت برای کنارگیری از سلطنت

○ آمدن رامچندر و صحبت با پدر

○ رسیدن رام به خدمت مادر خود

○ آمدن لکشمن به خدمت سومنترا

○ بخشیدن زر و مال رام را به فقیران و مساکین

○ بازگشت سومنت

○ عبور کردن رام رودخانه گنگ را

○ رسیدن رام به کلبهٔ بهردواج

○ رسیدن رام به کلبهٔ والمیکی

○ رفتن رام به کوه چترکوت

○ مرگ راجه دشرته

○ پند دادن وشست به بهرته

○ رفتن بهرته به جنگل

○ دادن رام لشکر بهرت

- دستور دادن رام به بهرته برای بازگشت به ایودهیا
- دادن کفش خود را به بهرته
- برگشتن بهرته به ایودهیا
- اذیت کردن پسر ایندر، سیتا را
- گرفتن سیتا هدایای بهشتی از زن زیشتی

## آرنیه کاند

- رسیدن رام به پنج وتی
- توضیح دادن رام به بهرت در مورد گیان و مایا
- نگهداشتن سیتا را در اشوک ون
- رسیدن رام به رودخانه پمپاسرا
- آمدن نارد به خدمت رام

## کشکندها کاند

- کمک خواستن سگریو از رام علیه برادر خود
- کشته شدن بالی به دست رام
- نشستن سگریو بر تخت کشکندها

- آمدن لکشمن پیش سگریو و به یاد آوردن پیمان او
- رفتن هنومان به سوی جنوب
- نوامید شدن انگد
- داستان سمپاتی
- نوامید شدن میمونان به دیدن دریا
- حاضر شدن هنومان برای عبور دریا

### سندرکاند

- داخل شدن هنومان در شهر لنکا
- در بیان حرمسرای راون
- تهدید کردن راون سیتا را
- گریه و زاری سیتا
- خراب کردن هنومان باغ اشوک را
- کشتن هنومان پنج سردار راون
- اسیر شدن هنومان
- نشانی گرفتن و رخصت خواستن هنومان از سیتا
- بیان نمودن هنومان سرگذشت خود را
- حرکت نمودن لشکر رام به سوی دریا
- التماس نمودن مندودری به راون

## یوده کاند

- نصیحت نمودن مالیاون به راون
- جنگ نمودن اندرجیت
- آوردن سیتا در میدان جنگ و گریه و زاری او
- فرار نمودن راون از میدان جنگ
- نالیدن راون بر مرگ کونبه کرن
- ملامت نمودن اندرجیت و بهییشن یکدیگر را
- رنج و اندوه راون
- گریه و زاری زن راون
- مراسم تاجگذاری بهییشن در لنکا
- آزمودن سیتا در آتش
- ستایش نمودن دیوها رام را
- ستایش نمودن برهما رام را
- ظاهر شدن راجه دشرته
- تعریف و توصیف نمودن ایندر رام و زنده گردانیدن لشکر را

## اوترکاند

- شرفیات شدن زاهدان و مرناضان خدمت رامچندر و تبریک گفتن آنان به او

- در بیان تولد راون
- عبادت و ریاضت راون
- ازدواج راون و برادران
- بوجود آمدن سیتا و نامگذاری او
- سبب نامگذاری راون
- جنگ راون با انرن
- ملاقات راون با نارد
- جنگ راون با یم
- آشتی دادن برهما راون و یم را
- جنگ راون با ایندر
- در تولد هنومان
- بردن لکشمن سیتا را به جنگل
- داستان راجه یایاتی
- داستان سگ و برهمن
- حکایت سورگن
- مخالفت بهرت به یگیه راجسوی
- نجات یافتن ایندر از گناه کشتن برهمن
- در بیان قربانی اسب

- شرکت نمودن و المیکی در قربانی اسب
- و المیکی سیتا را به مجلس می آورد
- فرو رفتن سیتا در زمین
- مرگ مادران رام
- نشانیدن کش و لورا بر تخت های سلطنت
- آخرین فرمان رام "۴۴"

### علت نامگذاری و تعریف راماین

"راماین مرکب است از دو کلمه "رام و آینم" یعنی خانه رام، ولی مجازاً به معنی وقایع

و حوادث مربوط به زندگی رام که قهرمان این داستان است و بعداً جنبه خدای پیدا کرده می باشد." ۴۵

همان طور که در *اوتر کاند راماین* ذکر شده که و المیکی در روره معاصر رام بوده و تمام داستنهای "رام و لو کش" که پسران رام بودند، یاد داده است. ۴۶

<sup>۴۴</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۵-۴۹۶

جلد دوم، ص. ۳-۲۶۶

<sup>۴۵</sup> همان کتاب، ص. ۱۵

<sup>۴۶</sup> رجوع به اوتر کاند راماین.

## ارزش و اهمیت راماین و "راماین اقبال یغمایی"

زبان و ادبیات فارسی و هندی و سانسکریت و ادبیات جهان نفوذ راماین را می توان دید. ارزش و اهمیت «مختصر راماین» و «راماین والمیکی» از حیث ادب بی نظیر و منفرد

است. اثر این ادب نه فقط در ادبیات هندی و سانسکریت تحت تاثیر قرار داده است بلکه زندگی مردم خارج از هند و ادبیات دنیای دیگر هم دیده می شود.<sup>۴۷</sup>

"راماین در طی قرن ها و عصرها از حدود و ثغور هند بیرون رفته و توجه و عقیدت مردم آن سرزمین ها را به خود جلب کرده است. والمیکی سراینده معروفش در ردیف سراینندگان و نویسندگان و دانشمندان جاویدان جهانی قرار گرفته است. اگرچه بررسی اثر و نفوذ راماین در تمام شیون زندگی مردم هند یا کشورهای بیرون، از حد این مقال خارج است ولی بی مناسبت نیست که نفوذ راماین را در زندگانی از جنبه های مختلف مورد مطالعه و بحث قرار بدهیم"<sup>۴۸</sup>

### تاثیر و نفوذ «مختصر راماین» از لحاظ مذهب

راماین از اساس های معتبر مذهب هندو دانسته می شود. اوپانیشادها و وداها و مهابهارت و پوراها بوده و طبق دانشمندان هند وداها فقط برای برهمنان و عالمان مورد توجه قرار می

---

<sup>۴۷</sup> Haridas bhattacharya, The Cultural heritage of India, vol-2, p-24.

<sup>۴۸</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۲۰.



گرفت و اگر درمورد اوپانیشادها مطالعه قرار بدهیم، می بینیم که اوپانیشادها برای متفکران و فیلسوفان بوده است اما حماسه (راماین) اساس زندگی مردم عامه قرار می دهند.<sup>۴۹</sup>

"مختصر راماین" هم ادبیات باستانی و مذهب قدیمی هندو را نشان می دهد. این کتاب نه فقط برای برهمنان هند و عالمان جهان مورد توجه قرار می گیرد بلکه برای دوره جدید و نسل جدید دنیا و مردم عامه جهان است که ادبیات سانسکریت و مذهب هندو (فرهنگ و تمدن هند) را مطرح می کند.

اگر ما عقیدت هندوان به راماین بررسی بکنیم، سپس نتیجه می گیریم که رام یک انسان کامل و بهترین بشر است. به همین علت وی "اوتم پورش" خوانده می شود.

"دانشمندان و عالمان همان وقایع ساده و محسوس راماین را وجه تمثیلی و مبانی فلسفه قرار می دهد."<sup>۵۰</sup>

## اهمیت و ارزش «مختصر راماین» از لحاظ تاریخی

---

<sup>۴۹</sup> The Cultural Heritage of India v-2, p.95-96  
Ramayana, C. Rajagopalachari, p.1

<sup>۵۰</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۲۱.

راماین از زمان قدیم تا امروز در دنیای ادبیات جهان نقشهای مهمی ایفا نموده و از حیث تاریخی راماین منبع معتبر برای آشنا شدن تاریخ باستان هند می باشد. در مورد ارزش و اهمیت راماین در «راماین مسیحی» نوشته شده است که

*"از آن گفتم حدیث رام و سیتا*

*نه این افسانه، تاریخ است انجا"<sup>۵۱</sup>*

"راماین اولین اثری می باشد که در آن بیان جنوب هند و لنکا با شرح و بسط آمده است."<sup>۵۲</sup> راماین که از زمان قدیم تاریخ باستانی هند را با تفصیل بیان می کند، «مختصر راماین اقبال یغمایی» هم این داستان قدیمی هند را در دوره جدید پیش مردم پارسی گویان جهان علاقه خصوصی پیدا می کند و ارزش و اهمیت تاریخ راماین را در دوره جاری نیز زنده می کند.

## ارزش و اهمیت «مختصر راماین اقبال یغمایی» از لحاظ اخلاق

می گویند که "راماین" از لحاظ اخلاق در ادبیات باستانی و جدید معروف است. بعد از خواندن «مختصر راماین» معلوم می شود که اساس این کتاب عمل و تعلیم و پیروی است. "تمام اشخاص که در آن معرفی شده اند وظیفه شناس و انجام دهنده فرایض بودند. آنها ترجیح می دادند که سر قول خود از جان بگذارند و قول خود را بجا آورند.

<sup>۵۱</sup> راماین مسیحی، ص، ۲۴

<sup>۵۲</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۲۵.

در کاند دوّم راجه دشرته در تکمیل عهد خودش به فرستادن جنگل پسر نازنین خودش را حاضر آماده شد ولی از عهد خود نمی گذرد. سیتا نمونه و سر مشق هر زن هند می باشد. او تمام زحمات و مشکلات را به امید بودن با شوهر تحمل می کند و لکشمین برادر رام از پدر و مادر و آرام خود صرف نظر می کند لیکن می خواهد که در گذراندن روزهای بد و پر زحمت شریک رام باشد. بهرت که نمونه کامل راد مردی و جوانمردی است، وی اقدام کیکی مادر خودش را نمی پسند و هر چه زودتر خود را خدمت رام رسانده از وی معذرت می خواهد. در مورد "راون"، برادرش "بهبیکهن" او را پند و نصیحت می دهد که تو نباید موازین اخلاقی را زیر پا گذاری و بالاخره نپذیر رفتن آن از طرف "راون" باعث می شود که برادر را ترک کند.<sup>۵۳</sup>

"بزرگترین درس اخلاقی که از راماین می توان گرفت آن عبارت بوده است از ایفای عهد و وظیفه شناسی و حدیث خویشاوندی و رام به خاطر احساسات و جذبات خویشاوندی و عشق، فرایض اخلاقی خودش را هیچ وقت زیر پا نمی گذارد."<sup>۵۴</sup>

به همین طرز «مختصر راماین» از طریق دقیق و مختصر تمام کیفیتهای اخلاقی را هم در دوره جاری انعکاس می کند و در باب "سفر" و "خشم گرفتن بر مادر" و "پایمردی بهبیکهن" و "بلای نفرین" و "مکافات گستاخی" و غیره قسمتهای اخلاقی را نشان می دهد. بنابراین می توان گفت که «راماین اقبال یغمایی» هم از حیث اخلاق در دنیای زبان و ادبیات فارسی مهم و معتبر به شمار می رود و نخستین کتاب مقدس هندوان است که بعد از خواندن ابواب آن

<sup>۵۳</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص، ۲۳-۲۴.

<sup>۵۴</sup> همان، ص، ۲۴.

که مختصر اند، نظر می آید که ایفای عهد و وظیفه شناسی و فرایض اخلاقی و فداکاری و عشق هم در داستان این کتاب موجود است. به همین علت می توان گفت که «راماین اقبال یغمایی» تمام عناصر اخلاقی که در «راماین والمیکی» دارد، آن را در دوره جدید به شکل تازه میان مردم عامه گذاشت.

### اهمیت و ارزش " مختصر راماین " از لحاظ ادبی

بدون شک می توان گفت که «راماین مختصر اقبال یغمایی» یکی از مهمترین مثالهای ادبی است که در دوره جدید و قدیم را با خوبی اتصال می کند. همانطور که ما بلد هستیم که «راماین والمیکی» در ادبیات سانسکریت "آدی کاویه" می خوانند و آن را به عنوان شاهکار ادبی نه فقط در ادبیات هند بلکه در سراسر جهان دانسته می شود. بدون شک نویسندگان و شاعران و محققان بسیار را تحت تاثیر خود قرار داده و علاوه بر این کتاب مقدس هند نه تنها در هند پیروی و تقلید راماین نوشته شدند، بلکه در زبانهای گوناگون هم تقلید و پیروی شده است.

"اگرچه در ترجمه همه خصوصیات زبان و بیان و مطلب و موضوع را نمی توان بیان نمود، باز هم *ملک الشعرا بهار* در سبک شناسی درباره راماین می نویسد. اگر لطایفی در این ترجمه راماین دیده می شود مربوط به قوه انشاء نیست بلکه مربوط به اشعار لطیفی است

که بالمیکی سراینده این داستان بزرگ سروده است و در این خیالات و تصورات اثر ادب عرب بهیچوجه وجود ندارد و طرز فکر آریایی ویژه است.<sup>۵۵</sup>

«راماین اقبال یغمایی» کتاب خیلی باریک و دقیق است و تمام احساسات و جذبات راماین و حادثه راماین از لحاظ ادبی کتاب بهترین به شمار می رود. «راماین یغمایی» صحیفه مقدس هندوان است که در خانه هندو و ایرانی و هر فرقه هندی می توان یافت و اثری آسمانی و مقدس از لحاظ ادبی و عاشقانه و اخلاقی و تاریخ باستانی و روابط هند و آریای در جامعه ادبی جهان خیلی کمک کننده است.

### «راماین یغمایی» از حیث حماسه

قبلاً بیان شده که راماین یکی از قدیمترین حماسه های جهان می باشد. همانطور که ما می دانیم شاهنامه فردوسی هم حماسه بزرگ جهان است و اگر اینجا مشابیهت و اختلافات میان راماین و شاهنامه فردوسی را مورد مطالعه قرار بدهیم، می یابیم که هر دو جنگ یعنی که "راماین و شاهنامه فردوسی" که ذکر شده، با خارجیان و بیگانان اتفاق افتاده و هر دو حماسه ادب و رسوم آریای و همه اعمال انسانی و امتحان زن و بشریات با پرنده چون سیمرغ در شاهنامه، مهمترین حرف این است که ادب و رسوم جنگ آن زمان که هر دو شاخه آریای بوده، این چیزی ها مشترک در هر دو حماسه "راماین و شاهنامه فردوسی"

<sup>۵۵</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص. ۲۵-۲۶.

هستند.<sup>۵۶</sup> مثلاً داستان سیاوش و ویژگی های سیاوش از قهرمانی اصلی حماسه "رامچندر" راماین را مورد مطالعه قرار می دهیم، می یابیم که هر دو داستان از لحاظ ویژگی های فردی و اجتماعی اثرهای جاودانه بوده اند "سیاوش و رام" انسان کامل قرار داده و "افراسیاب و راون" که اهریمن های هر دو داستان قرار داده اند. آنها نشانه های عصیان و زشتی و بد کاری و بد اخلاقی در روی زمین هستند، از آنان شکست خورده بودند. بنابراین می توان گفت که هدف هر دو داستان مشخص و معین است.

### نکات مشترک داستان "راماین و شاهنامه فردوسی"

در هر دو داستان بیان شده که بعد از رفتن رامچندر از "اوده" تمام شهری تاریک و جانوران و پرندگان دستپاچه و پریشان و ناآرام شده اند و برگهای درختان پژمرده گشته و بر روی زمین ریخته. در داستان سیاوش پس از آنکه سر سیاوش را در تشت زرین می برند.<sup>۵۷</sup>

قهرمانهای هر دو حماسه زن خودشان را از کشور بیگانه گرفته بودند. "رامچندر" با دختر پادشاه "متیلا" ازدواج کرد و سیاوش با دختر پادشاه "توران" بزنی انتخاب کرد.

دیگر مسایل که هم در داستان سیاوش و هم در حماسه راماین می تواند مورد بحث قرار می گیرد، مساله بقای روح، بعد از فنای جسم است. منتهی در داستان سیاوش بگونه سمبلیک و در راماین بگونه دیگر، بیان شده است باتوجه به جنبه عرفانی شاهنامه عقیده فردوسی، در

<sup>۵۶</sup> حماسه سرایی در ایران، دکتر صفا، ص. ۵۶۰-۵۶۴.

<sup>۵۷</sup> مهوش واحد دوست، راماین کهنترین اثر حماسه هندوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ص. ۳۳۰.

داستان سیاوش، باوجودیکه وجوده مادی سیاوش از بین می رود، ولی کیخسرو بطور سمبلیک نشان از جاودانگی سیاوش دارد و یا رویدن گیاه از خون سیاوش نیز موید این مساله است.<sup>۵۸</sup>

اگر ما درباره مسایل جنگ و عشق و کین و نقش زنان و مراسم سوگند و شخصیت "راون و افراسیاب" مورد بحث قرار بگیریم، بعداً معلوم می شود که در هر دو حماسه شخصیت "راون و افراسیاب" را از حیث منفی و بدکردار قرار داده، آنها نشانهای زشتی و ظلم و آدم بد اخلاقی و خود پرست و متکبر بودند و یکی از مهمترین اساس های هر دو حماسه مسایل زنان است که جنگ اتفاق افتاده بود.<sup>۵۹</sup>

وقتی که کتاب "مختصر راماین و شاهنامه فردوسی" مورد بررسی قرار بدهیم، بعد از آن نتیجه می گیریم که «راماین» و «راماین یغمایی» در هند کتاب مقدس هندوان قرار داده اما "شاهنامه فردوسی" کتاب مقدس نیست، اگرچه حماسه بزرگی ایران قرار داده شده است.

به یقین می توان گفت که هر دو حماسه در هر دو کشور از حیث حماسه مشهور و معروف است و با وجود داستانهای مشترک در هر دو حماسه، ایرانیان و پارسی گویان باید این کتاب "مختصر راماین" نه فقط حماسه بلکه از حیث کتاب مقدس بخوانند.

---

<sup>۵۸</sup> همان کتاب، ص، ۳۳۱

<sup>۵۹</sup> مهوش واحد دوست، راماین کهنترین اثر حماسه هندوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ص، ۳۱۷-۳۲۷

## ویژگی های «راماین اقبال یغمایی»

راماین فقط یک داستان نیست که در زمان قدیم نوشته شده، بلکه راماین دارای ویژگی های فلسفه و روحانی و حقیقت زندگی انسان می باشد. راماین تنها کتاب مقدس هندوان و حماسه کهن جهان که تاثیر و نفوذ این بر زندگی انسان می توان دید.

راماین اقبال یغمایی ارزشمندی است که وجود وظیفه های عمیق انسانی را می توان در یافت و ویژگی های که در "راماین والمیکی" دارند، در «مختصر راماین» هم می توان پیدا شود. چون که در کتاب داستانهای راماین مختصر بیان شده، باوجود این ارزش و اهمیت حماسه باستانی جهان و ویژگی های فرهنگ و تمدن هندی مطرح شده، این کیفیت مؤلف است که ما نمی توانیم چشم بپوشیم. ترجمه های "راماین والمیکی" به زبان فارسی بسیار در دست ماست اما «مختصر راماین» از لحاظ مقبولیت و محبوبیت و نفوذ و شهرت در میان زندگی مردم عامه بیش از هر کتابهای راماین که ترجمه شده، می توان گفت که شاید سر فهرست و نخستین می باشد.

اگرچه «راماین اقبال یغمایی» از حیث موضوع محدود و محصور است ولی از ترجمه های راماین دیگر قابل فهم و دقیق و تاثیرگذار است و زبان راماین که به زبان فارسی ترجمه شده، «راماین یغمایی» دقیق و مختصر و فصیح تر و بلیغ تر است و مردم عامه می پسندند و فوقیت و برتری از لحاظ فلسفه و آیین زندگی انسان هم مورد توجه خاص قرار می دهند.



"رام نمونه اخلاق و سادگی و خوبی‌ها و صفات عالی و دادمردی و عفو و انسانیت می باشد و در مقابل آن راون که نمانده فسق و فجور و بدی و بد اخلاقی و شهوت و هوس است، قرار می گیرد"<sup>۶۰</sup>

بعد از خواندن «رامین اقبال یغمایی» معلوم می شود که این اتمام صفات "رام" و "راون" هم نشان می دهد. مثلاً:

کردار "رام" که برای عشق، محبت، وظیفه، خیانت، اهمیت و ارزش مادر و پدر، قربانی، نیکوکاری و مہن پرستی باشد و کردار "راون" برای خراب کردن زندگی خودش در دنیا دانسته می شود.

"دسہرا در اعیاد و جشن های ہندوان دارای اهمیت بسزا است. مقصود از نمایش و روی صحنہ آوردن غیر از تعلیمات و تدریسات اخلاقی و مذہبی نباشد ولی در عین حال تماشاچی‌ها بہ حماسہ ملی و مذہبی خویش آشنای کامل پیدا کنند. دہلی پس از مراسم دسہرا "جشن بہرت ملاپ" با ملاقات رام و بہرت بر پا می شود. مراسم دسہرا سنت باستانی نمایش را نگہداشته و بازیگران موفقیت خوب برای تمرین فراہم می کنند. میان بازیگران و دستہ های مختلف بازیگران مسابقہ می افتد. زیرا داستان جنبہ مذہبی دارد و انہا بہ آن

---

<sup>۶۰</sup> نقل از، دکتر عبدالودود اظہر دہلوی، رامین کتاب مقدس ہندوان، انتشارات بنیاد فرہنگ، ایران، ص. ۲۴.

داستان عقیدت و ارادت دارند با جدیت و متانت و برای ثواب نقش های خودشان را ایفا می کنند.<sup>۶۱</sup>

دسپرا جشن بزرگی هندوستان است که دوران "رام نومی" برگزار می شود و پیروزی "رام" بر "راون" را نشان می دهد. اما در مورد "رام نومی" در کتاب «مختصر راماین» ذکر نشده است.

---

<sup>۶۱</sup> Ibid,p-35

## نتیجه گیری

## نتیجه گیری

پس از خواندن و تحلیل و بررسی کتاب "مختصر رامین اقبال یغمایی" و مطالعه ترجمه های رامین به زبان فارسی در هند و آرزش و اهمیت "رامین والمیکی" متوجه شدم که رامین میان کتاب های مقدس هندوان در مقام سوم می باشد اما از حیث شهرت و مقبولیت و نفوذ بر زندگی مردم عامه سر فهرست است.

رامین کهنترین حماسه منظوم سانسکریت و از آثار جاویدان جهان است که ما نمی توانیم نامش را از صفحه جهان بر طرف بکنیم، در دنیا کمتر کتابی است که دارای اهمیت و نفوذ مانند "رامین" بوده است. رامین در طی قرن ها از ماورا هند به سر زمین های دیگر جهان رفته و مردم آن وطن ها را به خود جلب کرده است.

رامین یکی از اساس های معتبر مذهب هندو می باشد، اوپانیشادها و وداها و مهابهارت و پورانهها هم بوده ولی طبق دانشمندان هند وداها فقط برای برهمنان و عالمان مورد توجه قرار می گرفت و اگر درمورد اوپانیشادها مطالعه قرار بدهیم، می بینیم که اوپانیشادها برای متفکران و فیلسوفان بوده است اما حماسه رامین اساس زندگی مردم عامه قرار می دهند.

داستان راماین اساس بر عمل است که هر چه در این کتاب از اخلاق و فلسفه و سیاست و الهیات سخن رفته و کسانی که نامش در آن آمده، وظیفه شناس و وفادار و راد و سخت پیمان و پاک نظر اند که راماین را جاویدان و فنا ناپذیر می کند.

راماین در دو صورت یعنی به نظم و نثر به زبان فارسی بر گردانده شده و ترجمه های راماین به زبان فارسی در زبان و ادبیات فارسی تاریخ شایسته دارد. ملاً عبدالقادر بدایونی نخستین کس است که بنابه دستور اکبر پادشاه آن را به نظم آورده و این ترجمه را در مدت چهار سال به پایان رسانده بود.

امیر سینگه سال هزار و صد و هفده هجری قمری سال پادشاهی اورنگ زیب پسر شاه جهان ترجمه راماین منشور به پایان برده است. در سال ۱۳۰۰ شمسی دکتر عبدالودود اظهر دهلوی این کتاب را در دو جلد تصحیح کرد و سپس اقبال یغمائی این کتاب را با زبان روان و سلیس به زبان فارسی ترجمه کرد و با طرز جدید در میان مردم ایران و پارسی گویان گذاشته است .

ما می دانیم که راماین یکی از بلندترین حماسه های سراسر جهان می باشد و این را برای دقیق و مختصر کردن کار آسان نیست که اقبال یغمایی پرداخته است و نخستین کتاب که در دنیای ترجمه کتابهای مقدس هندوان "راماین" بعد از سال طولانی زبان و ادبیات فارسی را دوباره غنی تر کرد. *راماین اقبال یغمایی* از لحاظ چند نکته خیلی مهم است چون که تمام

اختلافات در متون مختلف راماین و داستانه‌های آن را حذف نموده و کتاب "مختصر راماین" را تدوین و ترتیب داده است. راماین اقبال یغمایی یکی از نمونه‌های خوب و جالب در ایران و هند است که از واژه‌های سانسکریت و هندی استفاده شده و واژه‌های فارسی که در جامعه هند متداول بوده، آن معنی مخصوص را بکار برده است.

کتاب اقبال یغمایی همه فرهنگ و تمدن و اداب و رسوم قدیمی هندوستان، روابط هند و ایران و ارتباط ادبی را در دوره جاری احیا کرد.

## منابع و مأخذ

## منابع و مأخذ

۱. امر سنگهه، راماین امرپرکاش، منشی نولکشور لکهنؤ، ۱۸۹۹ م.
۲. تاراچند، روابط ایران و هند، سفارت هند تهران، ۱۳۴۲.
۳. جگن کشور، منشی، نیرنگ حسن معروف به بهار  
اجودھیا، فیروزآبادی، اگرہ، ۱۸۸۶ م.
۴. جلالی نایینی، سید محمد رضا، تالیف محمد شہرستانی، آرای هند، تهران، ۱۳۴۷.
۵. جلالی نایینی، سید محمد رضا، اوپانیشاد، تهران، ۱۳۴۰.
۶. جلالی نایینی، سید محمد رضا، آداب طریقت و خدایابی، تهران، ۱۳۴۸.
۷. جلالی نایینی، سید محمد رضا، گزیدہ سرودھای ریگ وداھا، تهران، ۱۳۴۷.
۸. حسن، دکتور، ہندی ادب کی تاریخ (زبان اردو)، علی گرہ، ۱۹۵۵ م.
۹. حکمت، علی اصغر، سر زمین ہند، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.



۱۰. دهلوی، دکتر عبدالودود اظہر، راماین کتاب مقدس ہندوان، انتشارات

بنیاد فرهنگ، ایران، ۱۹۷۳.

۱۱. سہای، منشی پرمیشری، چند، وظیفۂ فیض یعنی راماین

فارسی، اگرہ، ۱۸۹۳ م.

۱۲. شایگان، داریوش، ادیان و مکتبہای فلسفی ہند، تہران، ۱۳۴۶.

۱۳. شفق، رضا زادہ، گزیدہ اوپانیشادہا، تہران، ۱۹۶۶ م.

۱۴. شہابی، علی اکبر، روابط ادبی ایران و ہند، تہران، ۱۳۱۶.

۱۵. صفا، حماسہ سرایی ذر ایران، تہران، ۱۳۲۴.

۱۶. ضیایی، دکتر سید عبدالحمید و جعفری، پروفیسور سید محمد یونس

، رامایانا، خانۂ فرهنگ جمہوری اسلام ایران، ۲۰۰۹.

۱۷. عابدی، میر حسن و تاراچند، جوگ بشست، علیگرہ، ۱۹۶۷ م.

۱۸. گوپال، شری جی، شری بالمیکی راماین (زبان اردو)، دہلی.

۱۹. منور مامودک، سرزمین و مردم ہند، ترجمہ فارسی: گرگانی، تہران، ۱۹۶۶ م.

۲۰. موحد، محمد علی، ترجمہ گیتا، تہران، ۱۳۴۴.

۲۱. هرمان اته، ترجمه شفق، تاریخ ادبیات فارسی، تهران، ۱۳۳۷.

۲۲. یغمایی، اقبال، مختصر رامین، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،

تهران، ۱۹۷۶.

## مقالات و مجلات

۱. آل داود، سید علی، ۶۰ سال با کتاب، نگاهی به زندگی و آثار اقبال یغمایی، کتاب

نامه تابستان، ۱۳۷۶.

۲. افشاری، ایرج، زندگی نامه و فهرست نامه آثار یغمایی، یاد نامه حبیب

یغمایی، انتشارات فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۳، ۱۳۵۷.

۳. آل داود، سید علی، نامه اقبال یغمایی، یاد نامه اقبال یغمایی، از انتشارات

هیرمند، تهران، ۱۳۷۷.

۴. بهار، ملک الشعراء، ادبیات هندی، مهر، رامین (در تحقیق شخصیت رامچندر و

راون)، شماره ۵-۳۹، ۱۳۱۵.

۵. حسین، مطیعی امین، رامین، کتاب ماه دین، شماره ۸، ۱۳۷۷.

۶. عابدی، دکتر سید امیر حسن، داستان رامایانا در ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم

انسانی مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، شماره ۳.

۷. معتمدی، اسفندیار، رشد معلم، شماره هشتم-اردیبهشت، ۱۳۹۱.
۸. مهدی، عزیز، آزمون آتش در شاهنامه و راماین، شعر، شماره ۷۷، ۱۳۹۴.
۹. مهدی، عزیز، روابط ایران و هند بر مبنای روایات آریایی های مشرق بویژه شاهنامه فردوسی، شماره ۵۷، ۱۳۵۴.
۱۰. مهدی، عزیز، زبان فارسی در هند، فرهنگ اسلامی، شماره ۳۴، ۱۳۹۵.
۱۱. واحد دوست، مهوش، راماین کهنترین اثر حماسه هندوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، شماره ۴.

## منابع و مأخذ به زبان های خارجی

1. *A.A.Macdonell, The Vedic Mythology, Varansi, 1963.*
2. *A.G.Atkins, The Ramayana of Tulsi Das in Two vols, Delhi, 1954.*
3. *Amal Sankar, A study of the Ramayana, Calcutta, 1987.*
4. *Annemarie Schimmel, The Empire of great Mughals: History, Art and Culture, London, 2004.*
5. *Ashok K. Banker, Prince of Ayodhya, Brown Book Group, 2005.*
6. *Aziz Ahmad, Studies in Islamic Culture in the Indian Environment, Oxford, 1996.*
7. *C.A.Storey, Persian literature-A Biobibliographical survey Vol. 1 part 2, London, 1953.*
8. *C.Rajagopalchari, Ramayana, Bhartiya Vidya Bhavan, Delhi, published, 1990.*
9. *C.Rajagopalchari, Ramayana, Bombay, 1957.*
10. *Chamanlal, Text book of Indian Culture, New Delhi, 1968.*
11. *Chaturvedi Dwarikaprasad Sharma, Shrimadvalmiki-Ramayana, Allahabad, published 1927.*

12. *D.P.Sharma, Ramayana Tulsidas ,Allahabad,1921.*
13. *Douglas Streusand,The Formation of the Mughal Empire, Oxford University Press,1989.*
14. *F.C Davar,India and Iran Through the Ages,1958.*
15. *G.T. Garratt , The Legacy of India,oxford,1951.*
16. *H. R. Navelkar,A new Approach to the Ramayana,Jabalpur,1957.*
17. *H.Jacobi,Das Ramayana,Bonn,1893.*
18. *Harbans Mukhia,Historians and Historiography During the Reign of Akbar,New Delhi,1976.*
19. *Irfan Habib,Akbar and his India,Oxford University press,2004.*
20. *J.B. Chaudhari, Muslim Patronage to Sanskrit Literature Vol 1,Calcutta,1954.*
21. *Jamshedji Jivanji,King Akbar and the Persian Translations of Sanskrit Books,1925.*

22. *Jawahar Lal Nehru, The Discovery of India, London, 1956.*
23. *K. C. Chakravarti, Ancient Indian Culture and Civilization, Bombay, 1952.*
24. *Khaliq Ahmad Nizami, On History and Historians of Medieval India, New Delhi, 1983.*
25. *Krishandas Rai, Araya Ramayana, Banaras, 1969.*
26. *L. Renou, The Civilization of Ancient India, Calcutta, 1958.*
27. *L. Renou, Vedic India, Calcutta, 1957.*
28. *M.A. Rahim, Akbar and Translation Works, Journal of the Asiatic Society of Pakistan, 1965.*
29. *M. Muslim, An Introduction to the Principle of Indo-Iranian Phonology Part 1, Allahabad.*
30. *M.N. Dutta, Introduction to Ramayana, Baroda, 1956.*
31. *Mullah Sadullah Masihi, Ramayan-e-masihi, Munshi Naval Kishore, Lucknow, 1899.*



32. Muzaffar Alam, *The Pursuit of Persian Language in Mughal Politics*, 1998.
33. N.S Shukla, *Persian Translations of Sanskrit Works, Indological Studies*, 1954.
34. Nagendra, *Indian Literature, Agra*, 1959.
35. R.C. Dutta , *The Ramayana, Allahabad*, 1944.
36. Ramesh Memnon, *The Ramayan: A Modern Retelling of the Great Indian Epic, New York, published, 2004.*
37. S.K. De, *Aspects of Sanskrit Literature, Calcutta*, 1956.
38. Savitri Chandra, *Akbar's Concept of Suih-Kul, Tulsi's concept of Maryada and Dadu's Concept of Of Nipakh*, 1992.
39. Sharif Husain Qasemi, *A descriptive catalogue of Persian translations of Indian works, ,New Delhi*, 2014.
40. Syed Abdullah, *Adabiyat-e-Farsi me Hinduon ka Hisa, Hyderabad*, 1942.
41. T.N.Viswanatha, *International Law in Ancient India, Calcutta*, 1991.

42. *Tara Chand and Abidi, Jog bishist, Aligarh, 1968.*
43. *U.V.K Rao, A Handbook of Classical Sanskrit Literature, Madras, 1946.*
44. *W.L.Smith, Ramayana traditions in eastern India, Stockholm, 1982.*
45. *Y.Husain, Glimpses of Medieval Indian Culture, Delhi, 1962.*

# **A Critical Study of Persian Translations of the Ramayana with Special Reference to Iqbal Yaghmaei's Ramayana**

*(Motala-e-Inteqadi-e-Tarjameha-e-Ramayana ba tawajjah khas be Ramayan-e-Iqbal  
Yaghmaei)*

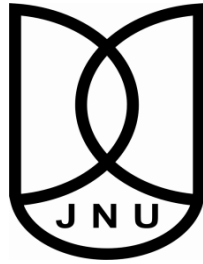
## **DISSERTATION**

Submitted to Jawaharlal Nehru University in partial fulfilment of the  
requirements for the award of the Degree of

## **MASTER OF PHILOSOPHY**

Submitted by  
**Sushil Kumar**

Under the Supervision of  
**Dr. Sk. Ishtiaque Ahmed**



**CENTRE FOR PERSIAN AND CENTRAL ASIAN STUDIES  
SCHOOL OF LANGUAGE, LITERATURE & CULTURE STUDIES  
JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY  
NEW DELHI – 110067  
2018**